



شاهنشاه و ملکه

به زاپار و ژید عزیمت کردند

استراحتگاه مخصوص فلز کاران و فولاد کاران شوروی در حضور شاهنشاه و ملکه ایران افتتاح شد
دیشب رادومسکو بناست. توقف شاهنشاه و ملکه در سوچی در تارتاری بخش کرد. ضمن آن گفت
دیروز چهارمین روزی بود که اعلیحضرت محمدرضا پهلوی و ملکه نریا و همراهان در سوچی بسر بردند.
طنی ایندست اعلیحضرتین از موسسات سوچی و آبهای طبی و معدنی و بقیه در صفحه ۳

ارتشهای عرب خود را برای مقابله با اسرائیل آماده میکنند

بحران خاور میانه به منتهی درجه شدت و وخامت خود رسیده و در مرز فلسطین تیراندازی شروع شد دولت اردن اعلام کرد که «ما حاضریم در هر نقطه از مرز که لازم باشد دست بعملیات بزنیم» - نیروهای اسرائیل در سراسر مرزهای دول عرب متمرکز شده اند هواپیماهای اسرائیل در مناطق مرزی بر فراز خاک اردن به پرواز در آمده اند

کابینه لبنان جلسه فوق العاده تشکیل داد و نخست وزیر اعلام کرد لبنان در صورت تجاوز اسرائیل فوراً وارد جنگ خواهد شد سخنگوی وزارت خارجه اسرائیل گفت:

بحران شدید خاور میانه نتیجه رقابت مصر و عراق برای کنترل انتخابات اردن است

بعقیده سخنگوی وزارت امور خارجه اسرائیل نیروهای عراقی در مرز اردن و نیروهای مصری در مرز سینائی تمرکز یافته اند

شیپیلف وزیر خارجه شوروی اعلام کرد شوروی حاضر است برای رفع بحران خاور میانه با دول غرب همکاری کند

دیرکل سازمان ملل درباره حوادث خاور میانه با وزیر خارجه شوروی مذاکره کرد رئیس جمعیت العلمای پاکستان گفت دولت مسلمان باید قوای یهود را برینگیختند - ملک حسین نمایندگان عبدالناصر را به اردن دعوت کرد

سوریه اعلام نمود که میخواهد با مصر یک فدراسیون تشکیل دهد

دمشق - خبرگزاری فرانسه - اسرائیل در مرز اردن و اسرائیل با دیشب بحران در منطقه سلطین بعد مسلسل های سنگین و سبک شروع به اعلامی خود رسید. یک واحد از سربازان تیراندازی کردند و وعده ای از کشاورزان

اولین خط شرکت واحد اتوبوسرانی در پایتخت شروع بکار کرد

وزیر کشور با قطع نوار اولین خط شرکت واحد اتوبوسرانی را افتتاح کرد و اتوبوسهایی که در هر کورس ده کیلومتر راه می پیمایند شروع بکار نمودند

رئیس شهربانی بعنوان یک کارمند شرکت واحد اتوبوسرانی با کارگران شرکت صحبت کرد



آقای علم وزیر کشور شمال شاهنشاه این کارگران شرکت واحد توزیع میکنند.

دیروز بعد از ظهر، اولین خط شرکت واحد اتوبوسرانی در پایتخت شروع بکار کرد

بدینسانست، از ظهر روز گذشته

د. صف اتوبوس مرسدس بنز که از میدان فروسی تا ابتدای خیابان لاله زار نو بردیف توقف کرده بودند و رانندگان و کک رانندگان که با پیراهن قهوه ای و شلوار آبی رنگ، اتوبوسها را آماده می ساختند، در خیابان شاهرشاجلب توجه میکرد.

میرسدس بنز که از میدان فروسی تا ابتدای خیابان لاله زار نو بردیف توقف کرده بودند و رانندگان و کک رانندگان که با پیراهن قهوه ای و شلوار آبی رنگ، اتوبوسها را آماده می ساختند، در خیابان شاهرشاجلب توجه میکرد.

میرسدس بنز که از میدان فروسی تا ابتدای خیابان لاله زار نو بردیف توقف کرده بودند و رانندگان و کک رانندگان که با پیراهن قهوه ای و شلوار آبی رنگ، اتوبوسها را آماده می ساختند، در خیابان شاهرشاجلب توجه میکرد.

میرسدس بنز که از میدان فروسی تا ابتدای خیابان لاله زار نو بردیف توقف کرده بودند و رانندگان و کک رانندگان که با پیراهن قهوه ای و شلوار آبی رنگ، اتوبوسها را آماده می ساختند، در خیابان شاهرشاجلب توجه میکرد.

از عکسهای مسافرت شاهنشاه

که آقای ابراهیم کلانتری غیر نگار عکاس اطلاعات از مسکوارسال داشته است



اعلیحضرت همایونی و اعلیحضرت ملکه هنگام بازدید از مؤسسه کشاورزی و دامپروری

دا در داخل خاک اردن مجروح نمودند نیروهای مرزی اردن دست به عمل متقابل زده بطرف سربازان اسرائیلی تیراندازی کردند و در نتیجه اسرائیلی ها عقب نشینی کردند.

دیشب شورای عالی دفاع اردن بریاست اعلیحضرت ملک حسین تشکیل شد. اطلاعاتی که پس از پایان جلسه شورا یسالی دفاع بدست آمد حاکیست که شورای مزبور تصمیماتی برای جلوگیری از هر گونه تجاوز مجدد اسرائیل اتخاذ نموده است. از تمام پادگانهای مختلف اردن نیروهای کسکی برای مرزداران ساحل غربی رود خانه اردن اعزام شده است سخنگوی نظامی دولت اردن اعلام کرد «ما حاضریم در هر نقطه از مرز که لازم باشد دست بعملیات بزنیم» بقیه در صفحه ۳

در گوشه ای از خیابان پهلوی ناگهان مردی با له لوله طیانیچه محاصر شد...

سال گذشته مامورین اداره کار آگاهی موفق بدستگیری باند بزرگی شدند که کار آن جعل و فروش دلار و اسکناسهای مامورین بود پس از بازجویی های مداومی که از افراد این باند بعمل آمد خفاگاه آنان کشف شد و دو نفر از اعضای

آن ضمن چاپ دلار دستگیر گردیدند. ماشین افسرتی را که دلار و روپیه پاکستان چاپ میکرد ضبط کردند و مجرمین را بزندان فرستادند. ماجرا ادامه داشت ظاهراً چنین گمان میرفت که این لانه فساد بکل از هم پاشیده و جلوی اعمال افراد آن گرفته شده است مدتی گذشت و باز با اطلاع اداره کار آگاهی رسید که مقداری دلار تقلبی بی بازار آمده است. مامورین دنبال ماجرا گردیدند ولی این بار توفیقی نصیبشان نشد.

در اواسط اردیبهشت ماه، اداره کار آگاهی پس از تجسس بسیار اطلاع یافت که بعضی از قبایلی افراد این باند در میان دانشجویان مقیم کشورهای خارجی که برای دید و بازدید و استفاده از تعطیلات مرتباً به میهنشان میروند و بر میگرددند رهنه کرده و اسکناسهای تقلبی را بقیست نازلی بآنها میفرورند و این کار برای جاعلین چند استفاده داشت اولاً احتیاج مداوم دانشجویان مقیم خارجی به دلار ثانیاً حرکت مداوم آنها و عدم توقف در یک جا و ثالثاً نتیجه توقف و رکورد کار مامورین کار آگاهی و ثالثاً خارج شدن اسکناسهای تقلبی از بازارهای ایران و بالنتیجه عدم توجه مامورین آگاهی به رواج اسکناس تقلبی.

شاهنشاه و ملکه ایران در میان مردم مسکو

در حاشیه زندگی هر يك مغزها!

آقای عزیز هیچوقت خیال نمیکردم کام با اینها بیکس که برای شایسته ای بنویسم قانون مرا محکوم کرده است اما میخواهم بینم اجتماع هم حق بجانب قانون میدهد یا نه.

حالا که این کافران مینویسم محصول کار یک هفته من، یک مشت اسباب بازی کوچک و بزرگ، جلوی دویم بر زمین ریخته، عروسک تشکی که ساعتها روی آن کار کرده ام انکار بین دهان کبی میکند داستان من از اول تا آخر چیزی است که صد فمه، شاید هم بیشتر، در کتابها خوانده اید و از مردم کوچ و بازار شنیده اید، چطور است که یکمرتبه دیگر هم بشنوید. . .

پنجره ایال میدهند و قبض میگیرند...

در آلتونی و استونی شورشی نظیر شورشی (پزنان) روی داد

دولت لهستان پیمشندان امریکارا برای ارسال مواد غذایی به لهستان رد کرد محکمه مخصوصی که در آن استیناف مورد قبول واقع نمیشود برای محاکمه و مجازات انقلابیون پزنان تشکیل شد در حالیکه جرایم لهستان قاضادارند انقلابیون پرنان بدیدترین وجهی مجازات شوند رادین اروپای آزاد قاضای کند متهمین بطور علنی محاکمه شوند عده ای از نویسندگان برجسته اروپا از دولت لهستان تقاضا کردند که از انتقام جوئی بر ضد کارگران پزنان جلوگیری شود تاکنون ۲۰۰۰ نفر از کارگران پزنان بازداشت شده و عده ای از آنها اعدام گردیده اند

استکلم - اسوشیتد پرس - اخبار واصله از کشورهای لتونی و استونی حاکی است که در این کشورها نیز تشنجاتی شبیه آنچه که در هفته گذشته در پزنان بنظور بدست آوردن «نان و آزادی» رخ داد روی داده است. یکی از نماینده کان اتحادیه بازرگانی سوئد که بنازکی از استونی مراجعت کرده است بخبر نگاران گفت که شوروی دستجاتی از افراد نظامی خود را برای حفظ امنیت - تا لین پایتخت کشور استونی فرستاده است کسانی که اخیراً از این دو کشور دست نشانه فرار کرده و بجهان آزاد

جاک جهان

مورد اطمینان

صف آرائی دو جنبه مخالف در آمل هنوز اختلاف بین فرماندار و شهردار آمل از بین نرفته است

و معلوم نیست این مبارزه بضع کدام دسته تمام خواهد شد خبر نگار ما در آمل در گزارش تلگرافی امروز خود راجع باختلافاتی که بین فرماندار و شهردار آمل بر سر یک موضوع جزئی بروز کرده بود اطلاع داده است که فرماندار و شهردار پس از آنکه بدستور وزارت کشور تهران آمدند و با مقامات مربوطه تماس گرفتند بآمل بازگشتند. هنگامیکه آقای حاملی فرماندار وارد شهر میگردد رؤسای ادارات و جمعی از اهالی تا دو فرسخی باستقبال او رفتند و با تشریفات خاصی وی را وارد شهر نمودند این استقبال بقیه در صفحه ۸

مجارستان مایل جعل اختلافات خود با آمریکا داشت که دولت مجارستان از هر نوع اقدامی که برای حل اختلافات مجارستان و آمریکاستور بگیرد استقبال می کند وی ضمن مصاحبه ای که بنسابت روز استقلال با مخیر رادبو بود ایست بعمل آورد اظهار داشت که دولت مجارستان بهیچوجه مایل نیست که وضع فعلی روابط آمریکا و مجارستان ادامه پیدا کند.

برای رسیدگی بچگونگی واقعه زندان

یک هیئت عالی پریش به شهرستان ساری وارد شد بطوریکه خبر نگار ما از ساری اطلاع میدهد پریش یک هیئت عالی مرکب از نمایندگان نخست وزیری - دادگستری و وزارت کشور برای رسیدگی بچیرانیاتی که در ساری اتفاق افتاده و منجر بیازداشت آقای ناسوتی دادستان آن شهرستان و اعزام او بتهران شده بود، به ساری وارد شده و مشغول تحقیق گردیده اند آقای ناسوتی نیز با تفاق همین هیئت بساری آمده و در دست خود بکار مشغول شده است بقیه در صفحه ۸

عکس جالب



از آن بالا... نخیر، از همین پائین!

گامی چیست؟ گامی برای پیر و جوان گامی همه جا برای همه کس

اخبار سی سال پیش



هفته دوم تیرماه ۱۳۰۶

رفع اختلاف با شوروی - امروز ساعت شش ظهر آقای فروغی با تفاق اخوی و یکی از فرزندان خود بوسیله طیاره از بادکوبه هازم برلن گردیدند. بطوری که اطلاع یافته ایم از طرف دولت دستوراتی برای خانه قرارداد های بین دولتین ایران و روس بایشان داده شده است که بحسن ورود بسکو بصیت آقای انصاری وزیر امور خارجه با اولیای دولت شوروی داخل مذاکره شوند.

در خصوص قرارداد تجارتی آنچه اطلاع داریم در دو موضوع غیرمهم یکی مسئله ترانزیت دیگری موضوع صفی یست یا بازده مال التجاره های صادره که باید مبادله نقدی شود و محل اختلاف بود توافق نظر بین اولیای دولتین حاصل گردیده و در صورتیکه باز موانع عواقبی در بین ایجاد نشود.

کلاه پهلوی - بر حسب تصمیمی که اخیراً گرفته شده قرار است کلیه رؤسای ادارات و شعب وزارتخانهها از روز چهارشنبه آتی کلاه پهلوی بر سر بگذارند.

چند نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی نیز کلاه مزبور را در خارج از مجلس سر می گذارند و یکمده دیگر هم در این تصمیم قریباً شرکت خواهند کرد.

اعلان از طرف وزارت عدلیه - موافق تبصره ماده ۳۷ قانون اصلاح قضات مستخدمین سابق عدلیه که پس از افتتاح هنوز شغلی بآنها رجوع نشده در صورت داشتن چهل و پنج سال سن و ده سال اشتغال بخدمت میتواند تقاضای اخذ خدمت را بخواهند بشرط آنکه در مرکز تا آخر خرداد او کمترین دروایات باشند تا آخر تیرماه ۱۳۰۶ کتبا تقاضای تقاضای وزارت عدلیه بدهند.

چون با خرداد مدت زیادی باقی نمانده برای تذکر آقایان اعلان میشود که اگر تا آن تاریخ تقاضای خود را بوزارت عدلیه تسلیم نکنند حق قانونی مزبور ساقط خواهند شد.

رئیس اداره پرسنل - کاظم مظاهر
اجرای حکم شاهزاده عین الدوله شش هزار تومان محکوم است که در وجه آقای میرزا قاسم خان مظالم کارسازی دارد. نظریه استنکاف مزوی اله از ادای دین از طرف اجرای قسمت از اموال منقول ایشان توقیف شده و بعد از قرار ماهی پانصد تومان اقساط تومان تعیین شده است. اموال توقیف شده بحال توقیف باقیست تا کلیه وجه محکوم با قسطی که معین شده پرداخت گردد.

اشکک و شکنجه - تلگرافی از سبزوار باره و اصل شده مبنی بر اینکه رئیس پست مزبان بواسطه سابقه سوئی که با نائب تفریحی سرقضیه جبهه تریاک مفقود شده داشته او را انواع شکنجه و زجر نموده شبها او را اشکک می نمایند. تقاضای احقاق حق شده است.

قتل فحیح - از تبریز اطلاع میدهند چند روز قبل در محال «ازومدیل» از توابع قراجه داغ واقعه قتل فحیحی اتفاق افتاده. شرح قضیه بطوریکه روزنامه فریاد آذربایجان هم انتشار داده بقرار زیر است:

« سه نفر سید در خانه یکی از دهاتیان مهمان میشوند میزبان در حضور مهمانان خود قریب سیصد تومان بنوکر خود میدهد که در فلان قریه کورسندانی ابداع کرده ام فردا بآن محل رفته وجه آنها را داده و تحویل گرفته و بقریه بیاورم سیدها شب خوابیده صبح زود پس از صرف چایی قبل از حرکت بنوکر عازم راه همان قریه می شوند و در سر راه کنار یک چشمه مینشینند پس از چند ساعتی بنوکر را می بینند که عازم مقصود است صدا کرده و بیان میکنند که میخواستی مهمان محل کورسندت بروی ما نیز خیال داریم بجهان قریه برویم خوبست که رفقت کنیم - چمن شروع براه رفتن کرده سیدها این نوکر بیچاره را بیک دره سنگلاخی می کشانند - در آنجا او را خفه نموده پولها را متصرف میشوند میخواستند جنازه را دفن نمایند از طرف زمین عاجز میمانند - میجو را اعضا منقول را تکه تکه کرده و در یک کیسه برمیکنند که دورتر از آن دره بیکه جای مناسبی دفن کنند - وقتی که از دره خارج میشوند یک نفر امینی می رسد که از کجا میآید و این خونچینست جواب میدهند که کورسندی داشتیم در این دره ذبح کرده سیدها این میخواستیم بقریه برده بفروشم - امینی میگویی یک چارک از آن گوشت برای من لازم است - میگویی اینجا ترازو نیست ممکن است بقریه رفته و تحویل دهیم میگویی با نظر ممکن است و لازم بکشین نیست - بالاخره پس از مدتی مذاکره توبه را گرفته و از میان آن دست و پا و اعضا انسان بیرون میآید. در همین حال سیدها فرار میکنند - بکی را با تیر میزند و دیگری را گرفتار میکند و سیمی فراد مینماید.

مامضاء کنندگان زیر سائین خیابان سر آسیاب دولاب و اطراف خیابان با اطلاع عموم میرسانم که از متصدیان مغازه خواربارفروشی برادران همتان واقف در خیابان سر آسیاب دولاب مقابل کوچه نخستین کمال رضایت را داریم در حسن سلوک و درستی و پاکدامنی و روایت عدل و انصاف در فروش اجناس مورد تصدیق اینجانبان است و مخصوصاً از آقای حاجت الله هادیزاده که همیشه پشت دستگاه مغازه هستند و نهایت ادب و تواضع را نسبت به فرد مشتریان مینمایند در خور تقدیر است و راجع بروغنهائی که از آن مغازه توقیف نموده اند نظر ما چون همیشه است (روغن مخلوط نباتی و حیوانی ۱ کلو ریال روی حلب روغن نصب مینمودند و همه میدیدیم و بسا علم مخلوط بودن میگردیدم از نظر شرعی و عرفی غیر قابل ایراد است.

از طرف اکثر سائین خیابان سر آسیاب و اطراف آن نخستین احمدی - نصیر الله اسلامی - سردان مجلسی - غلامعلی اسلامی - ماشاء الله حیدری - اسمعیل فرخی - حسین نظری - حسن نظری - علی اصغر معینی - رضایان محمد رضایان - علی جیشیدی - مهدی رضائی - محمد قاضی زاده - علی اکبر سرابی - علی اصغر نوری - محمد معینی - مرضی معینی - احمد طاهریان - محمود طاهریان - قاسم طاهریان - اکبر طاهریان - محمد حسن سیفان - رحمت الله سیفان - مصطفی محمدی - غلامحسین بخشی - علی آقاوی - ابوالقاسم مدبر نژاد - عباس رضائی - عبدالوهاب خدیوی - باقر و توفیقی - یوسفعلی یعقوبی - فاسد صالحی - منوچهر معارفی - باقر سیفی خانی - شاهر علی کرمانی - قاسم سوهانی - غلامحسین رحمدلی - حسین آقا سراج - علی اصغر حدادی - اصغر چلقانی - استاد غلامرضا - استاد غلامعلی - جواد معلم زاده - غلامعلی نجاج - باچندین امضاء - کرم.

۸۶۴۷-آ

مرگ مغزها

بقیه از صفحه ۱

بگذشته ام کار نداشته باشید، وقتی که این ماجرا شروع شد من جوانی قلندر با بازوهای نیرومند بودم که هر کاری را میتوانستم انجام بدهم. چند کلاس درس خوانده بودم و میان مردم برای خودم آدمی بودم اما مگر در اینجای برای این چیزها ارزشی قائلند.

مدتها مثل همه بکله کار کردم، روزی سه تومان اجرت میکرتم. ولی آدم جوان هزار آرزو و امید دارم. مخصوصاً اگر بیکسوره قهنبه باشد یک بدبخت حسابی است که فقط وقتی از فکر و خیال راحت خواهد شد که دیوانه بشود.

راست میگویم. دیوانه ها آدم های کردن کلفت و سعادتمندی هستند برای اینکه اگر دیوانه آب بپزند آنها را خواب میدهد.

ولی من خوب عقل و حسابیت را میخوردم و وقتی جوانهای شیک و ترو تریو را با دخترهای قشنگ میدیدم پرمیگشید. میخواستم بجای یکی از آنها باشم، حتی برای یک هفته. برای یکروز...

با وجود اینکه پول بول برایم خیلی ارزش داشت گاهی از خورا کم میکردم و روزنامه میخریدم، آنوقت بیشتر خودم را میخوردم... مثل اینکه هیچکدام از کلماتی که میخواندم برای من آفریده نشده بود. وکیل، سینما، کتاب، ازدواج، مالیات... از اینها اصلاً در دنیا نوردم. حالا من یک فنشک حاضر در اسلحه بودم که حتماً باید یکروز سوئی کسی شلیک شود و این روز بالاخره فرا رسید.

و نفیتم که مثل من گرسنه و در بدر بود، پیشنهادی کرد که اگر در باره آن یکساعت فکر میکردم از وحشت مریم میشدم. اما کالمترم را تعطیل کردم و کور کورانه پذیرفتم.

در یک شب تارک با یکی از برهنه از دیوار خانه ای بالا رفتم. هنوزم باور نمیکنم که میخواستم بزدی بروم.

شنبه بودم صاحبخانه آدم پول داری است حتماً از او چیزی کسرت نیاید اما من سر و سامانی نمیگرفتم!

درین کار ناگهان مستخدم منزل بیدار شد ناشی بودم و نتوانستم فرار کنم در میان حیاط یقه ام را گرفت و بانام قوت فریاد کشید از ترس بایک تکه سنگ چنان بر قش زدم که صدایش خاموش شد و بیدار...

هنه دوزها و قاتلها را چطور میگیرند؟ مرامم همانطور گرفتند و بردند.

چند ساعت بعد در زندان، پهلوی یک مشت جاقو کش حرفه ای که از چشمپاشان خون میچکید نشسته بودم و فسکر میگردم.

هر کدامشان منم، برنامه ای داشتند پس شده بودند و همه گوشه و کنار زندان را مثل خانه خود میشناختند و مثل آب خوردن سرمیبردند خیالم راحت شد.

حالا زندگی من، برنامه ای داشت میدانستم که تکلیفم در آینه چیست در باز پرس میهن ما که حالا منویم کفتم، انتظار بخشش هم از هیچکس نداشتم.

در صورت من منم بودم چنانیکار و دزد بودم و باید بجای آن بسم قانون بگذشتم من بآن چیزهایی که مراد او را بزدی کرده است کاری نداشت فقط بایک آدمکش زور برو بود.

وقتی دادگاه اعلام کرد که باید همه عمردا در پشت میله های زندان بگذرانم اصلاً ناراحت نشدم. دلم خوش بود که دیگر هر روز صبح زود نیاید فکر کنم «امروز چه خواهد شد، چطور خواهد گذشت».

مقام منبع شهر بانی کل مرکز

محترماً اینجانبان اهالی شهرستان میان دو آب بر سر عالی میرسانه که مدت کوتاهی است سر کارسروان همی سرافزاده که پریاست شهربانی میان دو آب منصوب و با کله آقای قدرت عبیدی رئیس آگاهی شب و روز در فعالیت و آسایش این شهر بوده اند حتی کاینکه از سابق مشغول فسق و فجور بوده اند در سایه توجهات ایشان مرتفع شده و اهالی داننا در کمال آسایش و رفاه مشغول کسب و کارند ما از آن ریاست عظمی تقدیر مندیم که اینطور افسران رشید و فعال به مملکت و کشور به بار آورده که جامعه از وجود چنین افسران مبین پرست در آسایش باشند.

ایزدی - موسوی - حسن تبریزی - معنیان - ابوطالب تبریزی - عزت حیدری - حسن غرغانی - حاجی علی حبیبان حیدری - صالحی - ستار احمدی - تقی زادگان - عبیدی - دادش وند - ثروتی - زهانی - سلوگانه - اسبقی - ایوبی احمد حیدری - محمد حیدری - کبیر میهنی - آناپور هادی معنیان - خلیل هادی

۱۱۳۵۴-آ



اهالی محترم آذربایجان

شرکت سهامی تی بی تی سرویس تهران - تبریز را
از روز ۱۵ تیر دایر نموده برای تهیه بلیط و کسب اطلاع به شرکت سهامی تی بی تی خیابان فردوسی مقابل سفارت ترکیه تلفن ۴۵۸۸۶ مراجعه فرمائید.

۱۱۲۵۶-۱

آگهی مناقصه خرید دستگاههای آتش نشانی

شرکت سهامی شیمیایی ایران وابسته سازمان برنامه شارژ یدکی چهار نوع دستگاههای آتش نشانی کارخانه روغن کشی ورامین را از طریق مناقصه خریداری مینماید. داوطلبین میتوانند برای دریافت برگ شرایط و مشخصات مناقصه و تسلیم پیشنهادات تا آخر وقت اداری روز چهارشنبه ۳۵۵۵۱۰ بدفتر شرکت واقع در خیابان حافظ کوچه امیری مراجعه نمایند.

شرکت سهامی شیمیایی ایران
۱۱۳۶۶-آ

آقای حسن بهر وز - کارمند بانک ملی بیچار

برنده جایزه ۴۰۰۰۰ ریالی
سری ۴۸۶ بلیطهای بخت آزمائی ملی



آقای حسن بهروز - دارنده شانسانه شماره ۱۸۵۸۸ صادره از کروزو بلیط شماره ۳۷۰۶۰۲ ساکن بیجار برنده جایزه ۲۰۰۰۰ ریالی سری ۲۸۶ بلیطهای بخت آزمائی ملی است که جایزه ایشان طی چک شماره ۴۷۰۰۲۱ مورخ ۳۵۳۳۲۷ پرداخت شده است. آ- ۱۰۹۰۲-۱

آگهی رسمی

بنظرواشغال بکلیه امورمقاطعه کاری - راهسازی - پلسازی و تاسیساتی سایر امور مهندسی و فنی شرکتی بنام شرکت بهساژو با مسئولیت محدود با سرمایه ده میلیون ریال که تمام نقداً پرداخت و طبق اظهار در تعویب مدبرعامل شرکت میباشد از تاریخ ۱۳۵۴/۰۹/۳۵ بدست نامحدود در تهران خیابان پهلوی جنب سراه شاه تشکیل گردیده و در تاریخ ۱۳۵۴/۰۹/۳۵ در دفتر ثبت شرکتهای داخلی شماره ۲۸۵ ثبت رسیده آقای مهندس ارشاور بابایان بدبیریت عامل انتخاب و حق امضاء. اسناد و اوراق و مدارک غیر مالی را بتهنایی و اسناد و اوراق مالی را با تفاق یک نفر دیگر از شرکا، (آقایان مهندس عبدالعزیز معلم و مهندس حاجی اسفزراده اردوبادی) متفا با مهر شرکت خواهد داشت.

رئیس اداره ثبت شرکتها - محمد احسانی شماره ۴۱۸۸-۴۱۶۱۴۰-۳۵
۸۶۴۹-آ

خبر خوش برای خانها

یکبرک قرار داد مربوط بزمین ۱۶۶۱ بین اینجانب و شرکت کیشا مفقود گردیده. جوینده بخیا بان مولوی کوچه درخشانی کاشی ۱۱ مراجعه مؤد کانی خود را دریافت دارد.

احمد اعتمادی

۸۶۵۹-آ

جای اداره خیابان خیام چنانچه از اطلاع صاحبان قبلاً زودتر دستورالعمل را

من خوب بظنم را میخوردم، چوب سواد و حسابیت را میخوردم اگر یکروز از زندان بیرون میرفتم، بادین همان صحنه های فشنک و خردکننده تو میبیل ها، دخترها و مغازه ها حتی خود کتی میکردم.

این بازوهای کلفت و این منبری که می خود کار میکنند بهتر است که همین گوشه پیر شود و از بین برود فقط منز های فرسوده که قدرت درک حقایق را ندارند بردد زندگی سعادتمندان میخورند.

آناه قانون مرا محکوم کرده است ولی میخواستم از شما و از خوانندگان شما بیروم که آیا اجتماع هم مرا محکوم میدانند؟

شما با چه جواب میدید؟
پ. پوشوازاده

۱۱۲۴۴-آ

اداره روزنامه اطلاعات

چون روز دوشنبه ۱۳۵۴/۰۹/۳۵ حریق که در حدود سه بعد از ظهر در وقت اتفاق افتاد که قسمتی از بازار درشت سوخته و قسمتی مغزوبه گشته است خواستم نکته ای را یادآوری نمایم فعلیتی را که از طرف تی ب درشت در این حریق شده قابل تقدیر است چون در روز ۳۵/۰۹/۳۵ در صفحه ۱۶۹۱ آن روزنامه شرحی راجع به حریق درج شده بود و از ارتش و شهرداری چیزی نوشته نشده بود خواستم عرض آن اداره برسانم همانطوریکه از طرف شهرداری های بندر پهلوی - نومن لاهیجان - و لنکرود و همدان و اطراف شهرداری رشت این شهرک های لازمش و از ارتش و شهرداری چیزی مرقوم نداشتند و زحمت و جانشانی های ایشان را قیمت نگذاشتند مخصوصاً اینجانب از آن اداره محترم متنادرم امور و مقر فرمائید قضیه را که بر سر رسیده میجداد در روزنامه اطلاعات درج فرمائید همینطور از رئیس تی ب جناب آقای تیسار فراموشی جناب آقای سرهنک منوچهری جناب آقای سرهنک قهرمانی و اغلب افسران و سر بازان و همینطور از مسان شهر بانی و جناب آقای سرهنک بهزادی و کلیه باسیبانان اظهار تشکر و قدردانی بعمل آید و جانشانیهای ایشان که در این حریق مهم صورت گرفته قابل ستایش گردد و بایستی در اینطور مواقع مشوقی داشته باشند که حمل خودشان را با موقت بیابان رسانند در خانه مطبوعاتی سوخته بشرح ذیل است راسته کاشیا و کان سوخته ۲۵ در ب در ب دوم تیر ۱۱ حجره سوخته پایک بارانند از ۹ حجره مغزوبه گشته سرای کاشی خرابی دالان و مقداری خرابی روی حجره ها کاراوشیبه مقداری خرابی روی بامهاشکسته و قسمتی از بامهای از بین رفته قیسریه فخر باب حجره مغزوبه گشته طاقی بزرگ مقداری برنج و غیره سوخته و البته این حجرات و باراندهاها که خراب گشته مقداری از بارها طسه حریق گشته و از بین رفته است خواهش مند قضیه را در روزنامه درج فرمائید. دشت - خیابان رضاشاه کبیر بنگاه شیشه هجدهم خوشین ۸۵۹۵-آ

آگهی مناقصه

بانک ملی ایران مقدار ۲۰۰ تن هیزم جنگلی و یامیوه خشک ۱۰۰ تن ذغال چوب سرندی بدون خاک (که از سرته ۱۲ میلیمتری خارج نشود) از طریق مناقصه خریداری مینماید.

۱- داوطلبان میتواند برای شرکت در مناقصه هیزم بیست هزار ریال و برای شرکت در مناقصه ذغال چوب پنجاه هزار ریال حساب جاری شماره ۱۰۰۱۷ اداره کار برداری نزد شعبه فردوسی بعنوان سپرده پرداخت نموده و قبض آنرا بضمیمه پیشنهاد در پاکت لاک و مهر شده که روی آن جمله مربوط ب مناقصه ذغال با همیز می آید. شده باشد تا پایان وقت اداری روز سه شنبه ۱۹ تیرماه ۱۳۳۵ بدفتر اداره کار برداری تسلیم نمایند.
۲- پیشنهادهای واصله در ساعت ۵ صبح روز چهارشنبه ۲۰ تیرماه ۱۳۳۵ در اداره کار برداری باز و قرائت خواهد شد.
۳- حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه مناقصه آزاد بوده و پیشنهاد های فاقد سپرده و بامعلق بشرایط خاص ترتیباً داده نخواهد شد.
۴- پرداخت هر گونه مالیات و عوارض متعلقه. و همچنین هزینه ثبت قرارداد که در دفتر خانه رسمی بانک انجام میشود بعهده برنده مناقصه خواهد بود.
۵- بانک ملی ایران در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات آزاد و مختار است.

بانک ملی ایران
۱۱۳۹۴-آ

صاحب اختراع مربوط به بر طبقه اجرای عکس العمل های کانالیتیک که در ایران شماره ۱۵۹۷ ثبت رسیده بهره برداری اختراع نامبرده را پیشنهاد مینماید برای کسب اطلاعات بیشتر بدفتر وکالت و فائیل آقا بابیان خیابان شاه کوچه نو بهار مراجعه شود.

۱۱۳۵۶-آ

صاحب اختراع مربوط به طریقه تجزیه بوسیله آتش کانالیتیک هیدرو کالوروا که در ایران شماره ۳۶۱ ثبت رسیده بهره برداری اختراع نامبرده را پیشنهاد مینماید برای کسب اطلاعات بیشتر بدفتر وکالت و فائیل آقا بابیان خیابان شاه کوچه نو بهار مراجعه شود.

صاحب اختراع مربوط به کالانیزر های پلاتین و طریقه تهیه و استعمال آن که در ایران شماره ۱۹۳ ثبت رسیده بهره برداری اختراع نامبرده را پیشنهاد مینماید برای کسب اطلاعات بیشتر بدفتر وکالت و فائیل آقا بابیان خیابان شاه کوچه نو بهار مراجعه شود.

۱۱۳۵۸-آ

آگهی

تشکیل مجمع عمومی عالی سالیانه شرکت

نظر باینکه جلسه مجمع عمومی عالی سالیانه شرکت سهامی برق ویندکی نجف آباد مورخ سی ام خردادماه یکپزار و سیصد و سی و پنج بلت عدم حصول اکثریت قانونی تشکیل نگردید لذا جلسه آینده بروز پانزدهم تیرماه یکپزار و سیصد و سی و پنج ساعت چهار بعد از ظهر موکول و در دفتر شرکت تشکیل میگردد از دارندگان سهام تقاضا دارد طبق اساسنامه اقدام بتحصیل برک و ورودی فرموده در جلسه حضور بپهرسانند.

۱- رسیدگی بحسابهای ۱۳۳۴ و تصویب ترازانها و عملیات انجام شده.
۲- انتخاب اعضاء اصلی و علی البدل بازرسان
۳- تعیین خط مشی آینده شرکت

هیئت مدیره شرکت سهامی برق ویندکی نجف آباد
۱۰۶۱۰-آ

آگهی تشکیل مجمع عمومی فوق العاده

نظر باینکه جلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت سهامی برق ویندکی نجف آباد مورخ سی ام خردادماه یکپزار و سیصد و سی و پنج بلت عدم حصول اکثریت قانونی تشکیل نگردید لذا جلسه آینده بروز سی و یکم تیرماه یکپزار و سیصد و سی و پنج ساعت چهار بعد از ظهر موکول و در دفتر شرکت تشکیل میگردد از دارندگان سهام تقاضا دارد طبق اساسنامه اقدام بتحصیل برک و ورودی فرموده در جلسه حضور بپهرسانند.

۱- تجدید انتخاب هیئت مدیره
۲- تعیین ضعی ازمواد اساسنامه

هیئت مدیره شرکت سهامی برق ویندکی نجف آباد
۱۰۶۱۲-آ

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده

بدینوسیله از صاحبان سهام شرکت سهامی بنیه کرگان دعوت میشود که در جلسه مجمع عمومی فوق العاده که در ساعت ۵ بعد از ظهر شنبه سی ام تیرماه ۱۳۳۵ در محل شرکت تشکیل میشود حضور بپهرسانند.

دستور جلسه
اصلاح مواد ۱۰، ۱۸، ۲۲، ۳۸ و ۴۱ اساسنامه شرکت.
شرکت سهامی بنیه کرگان

۸۶۵۱-آ



اوب

همیشه و در همه جا مورد احتیاج بانوان است

برودی اوب
۱۱۲۴۴-آ

روانشناسی

فدائی در تنهایی

از علی برکسانی
در پاسخ آقای علی خطیبیان که
راحم تنهایی از نظر روانشناسی
توضیح خواسته بودند در شماره
های دو جمعه گذشته دوتای از
انواع تنهایی را که تنهایی آزادی
«تنهایی اضطراری» بود شرح
دادیم و اینکه سوئین نوع تنهایی
را از نظر روانشناسان که «تنهایی
طبیعی» است، مورد بحث قرار
میدهم:

تنهایی و اگر از نظر معنی سبازد قوت
آن که بستگی بکیفیت خلقت آدمی و
حالت روحی انسان دارد، مورد تأمل
قرار دهیم، یک حقیقت بسیار مسلمی
درسیم که نمی توان در وجود آن شکر کرد
و آن اینست که گشته از تنهایی که ما
بایدست خود آترا برای خود فراهم می
آوریم و یا پیش آمده ما را دوچار آن
میسازد یکنوع تنهایی دیگر نیز وجود
دارد که همه آترا حس میکند و نمی
توان گفت که فقط نصیب گروه مخصوصی
است زیرا این تنهایی یکنوع تنهایی
طبیعی و جزئی از اجزای و اصولاً لازمه
زندگانی است.

این گفته یکی از حکام است که
هیچکس از حجت عزلت و تنهایی شبیه
جزیره نیست ولی نوع مخصوصی از
احساسات و مشاعر وجود دارد که انسان
دوخلال آن بجزیره شبیه تر میشود و
در قلب هر کس حدودی هست که همیشه
بسته میماند و هیچکس نمیتواند بدان
راه یابد. حتی در محیط خانواده های
مهربان و مانوس که از آداب و مذهب
را دوست دارند و با یکدیگر هم
آهنک اند، گاهگاهی شبانه ای از
خستگی و عزای فردی رخنه میکنند که
برهیز ناپدید است و شرحه بگوئیم،
راه گزیری ندارد.

همچنین بارها شده است که شادی
و مسرت ما در سیاهی ما منتکس شده
و ما تشنه وجود کسی بوده ایم که آترا
حس کند و با ما در احساس آن شریک
شود ولی درک لبخند، مانند آخرین
اشعه عروب آفتاب بالاخره از سیاهی
ما بریده و کسی از اطرافیان ما آترا
ندیده است.

در حزن و غم نیز حال بدین منوال
است و چه بسا که مادر زوی غمگساری
داشته ایم و کسی نبوده است که بداد
ما برسد.
با وجود عقرب غم و غم و صدف تنهایی
ما برای دوستی و تفهیم و تفاهم
بادیگران، خیلی دشوار است که تفاهم
تام و تمام میان دو نفر بعد کمال پدیدار
شود و همه بالاخره این ستوال را از
خود کرده اند که کیست که مرا بفهمد
یا کیست که من بتوانم او را درست
درک کنم!

اما این حقیقت نباید موجب نگرانی
یا تاثر خاطر گردد زیرا پروردگار و پیام
هولیکه استاد دانشگاه «هاروارد»
در امریکا میگوید این تنهایی عین که
هر کس در نهاد خود میسخت، ناشی از
وحدت هستی است. اگر این حس تنهایی
طبیعی و عین که از وحدت هستی ناشی
میشود، درست درک نکرد و ما نتوانیم
از آن استفاده کنیم، موجب درد و رنج
میخواهد گشت ولی اگر آترا درست
بقیه در صفحه ۵

فائز ...

ته سیگار

اقباس و نگارش ویکتور باهرامی

آقای «لویی» در حالیکه چندان بزرگی در دست
داشت از تاسکی بیاده شد خیابان خلوت بود و گردو-
غبار راه موها و مزگان «لویی» را خاکستری رنگ
ساخته بود، آهسته دست بلند کرد و شاسی رنگ اخبار
خانه خود را فشار داد.

کمی منتظر شد اما کسی در راه باز نکرد فکر کرد
حتماً زشت «ماری» در خانه نیست خوب مانی ندارد
دست در جیب برد و کلید یکی را که همیشه با خود داشت
بیرون آورد در بازمی باز شد اما برخلاف انتظار چراغ
گریز و اطراف نشین روشن بود عجب ایس ماری در
خانه است! شاید مریض شده است؟ نه عجب اینطور
نیست زیرا در اینطور در اطراف خوابی بستری بود
راستی در این در روز غیبت چه حوادثی ممکن است بوقوع
پیوسته باشد؟ با این افکار وارد اطاق نشین شد زشت
در حالیکه بلوز بافتنی در دست داشت کنار را دیو نشسته
و بنوازی موسیقی گوش میداد.

هیچگونه عکس العملی از طرف ماری دیده نشد
مازم «لویی» شروع کرد: عزیزم من از مسافرت آمده ام
آیا میخواهی مرا ببوسی؟
در این موقع ماری بانائی سرش را از روی بافتنی
بلند کرد از گوشه چشم نگاه طرف شوهرش افتاد و
در حالیکه در باره مشغول بافتن شده با لحن کاملاً خونسردی
گفت:

خوب خوش گذشت؟
چه خوش گذشتی عزیزم؟ پدرم در آمد خیلی
کارم زیاد بود صبح ساعت پنج از خواب بر میخاستم و
ساعت دوازده شب به بستر میرفتم آنقدر این کارهای
اداری دردم و برهم و خسته کننده است که انسان کاملاً
کلافه میشود.
او عزیزم مثل اینست که به پشت و ارد شده ام
و اما تو مثل یک فرشته خیلی خوشگل که لذت ماندن در
پشت راضد چندان سوده ای ...
مثل اینکه خیلی بر حرف شده ای!
چطور عزیزم! تو هم مثل اینکه خیلی عوض
شده ای!
عوض شده ام نه خیال میکنی دلیلی ندارد
بیا درست بصورت نگاه کن همان توالی است
که همیشه میگردم، راستی یک نامه دیر روز برای تو رسیده

و چون پاکت باز بود آترا خواندم شما با خواندن آن
خستگی راه از تن خارج میشود، بیابگیر.
«لویی» با تعجب گفت نازک و آبی را از درون
پاکت بیرون کشید و زیر لب گفت: از کیست!
«ماری» شانه هایش را بالا انداخت:
- از من می برسی خودت که بهتر می شناسی!
- خیلی معارف میزنی چه مطلبی در این نامه
است؟

- چقدر عجل هستی بالاخره می فهمی
لویی شروع بخواندن نامه کرد:
«لویی عزیز؟ دو روز بیشتر نیست که ترا ترک
نموده ام اما مثل اینکه ده سال است تراننده ام حال
می فهمم چقدر بی تو علاقمندم چقدر این چند روز باخوش
گذشت، عزیز دل! آیا ممکن است بازم این روزها
تکرار شود؟

.. اما راستی تو چرا مرا بی خبر گذاشتی و رفتی.
حتی بدون اینکه آدرس خانه و یاد ادرات را بدی
اول خیلی ترسیدم فکر کردم برای همیشه ترا از
دست داده ام ولی یک فراموش کاری مرا از غصه
خلاص کرد جبهه کارت و بیزیت خود را در اطراف هتل
جا گذاشته بودی در هر حال میدانم که تو هم خیلی
ناراحت هستی خواهش میکنم در اولین فرصت به این
شماره تلفن کن: ۵۶۳۲
مجوبه ایی تو زانت.
کوش های «لویی» مثل خون قرمز شده و عرق سردی
بر پیشانی نشسته بود.

- دروغ است من یک چنین زنی را نمی شناسم خواهسته اند
سر بسر تو بگذرانند، من ده روز جان کنده ام و
انصاف نیست که یک چنین تهنیتی بر من بچسباندند .. عجب
مردم بدجنسی پیدا میشوند .. «لویی» با قدمهای بلند
و قیافه صعبانی پایین ویلا میرفت ولی در همین اثناء
چشمش بدستگاه تلفن خورد مثل اینکه فکر خوبی برایش
پیدا شد ..

- کوش کن ماری برای اینکه خیالت کاملاً راحت
شود هم اکنون باین شماره تلفن میکنم
باخوشون کوشی را از روی دستگاه برداشت
یکبار دیگر شماره تلفن که در نامه نوشته شده بود نظر
انداخت ۵۶۳۲ را گرفت
- الو .. کجا هستی؟ آیا ممکن است لطفابه
خانم «زانت» بگوئید بامن صحبت کند

چی! اشیا اورا نیشناسیده. اصلاً کسی با این نام
آنها وجود ندارد! بسیار خوب خیلی مذذرت می
خواهم!
نفس راحتی کشید و کوشی را سر جایش
گذاشت.
- دینی عزیزم، من هیچوقت بتو دروغ نگفتم ام
خیالت راحت شد .. اما یک نصیحت بتو میکنم: دیگر
بند از این اگر بادو چشم خودت هم مرا در آغوش زنی
دیدی باور نکن، زیرا شوهر تو زشت را بیش از تمام
زنها ی روی زمین دوست داردا ما راستی چه فکر خوبی
برایم پیش آمد در غیر اینصورت تو تا چند روز ناراحت
بودی، عزیزم! آیا راستی مرا خیلی دوست داری؟ «لویی»
گرم این گفتگو بود که ناگهان دو چشمش بنقطه دوخته
شد:

ماری آیا قبل از من مهمان داشتی؟
- نه، چطور؟
- پس این ته سیگار متعلق به چه کسی است؟
ماری جوابی نداد.
اگر مهمان نداشتی باید خودت گفته باشی و
منکه هنوز سیکاری آتش زده ام اما تصور نمیکنم
تو هم در این موقع که قیت سیکار آتقدر بالا رفته بهوس
سیگار کشیدن افتاده باشی! تو اصلاً از سیکار بدست می
آید و سابقه نداشت لبان بزنی بازم ماری جوابی
نداد، اما «لویی» دست بردارد نبود:

- چرا بن جواب نمیدی؟ چرا ساکت شده ای؟
بالاخره من نباید بفهمم چه کسی در خانه من آمده است
زیر کاشه نیم کاشه ای هست که دلت نیخواهد یک کله در
جواب من بگوئی زود باش تا بیشتر از این صعبانی نشده ام
بگو این ته سیگار مال کیست؟ «لویی» از فرط عصبانیت
تمام رکهای کردش بیرون زده بود صورتش داغ شده
بود، دهانش میلرزید دیگر کاملاً از کوره برده شده بود با
قدمهای تند و سنگین بزشت نزدیک شده، شانه های او را
بندست کرد و با شدت تکان داد:

راه داده ای؟
«ماری» با خونسردی عیبی نگاه تکی تعجب آمیز
به روی شوهرش افتاد و گفت: خیلی مایلی بدانای این
ته سیگار متعلق کیست.
- البته حتماً باید بدانم!
- بسیار خوب این ته سیگار متعلق به یکی از
کارمندان شرکت تلفن است که برای بر طرف کردن،
عیب دستگاه و بکار انداختن آن آمده بود، البته موفق
هم نشد!

ملکه زیبایی اندام

از دکتر خسرو بهیلی
نیشود گفت همه اما اغلب دختر خانها
و خانمهای امروزی مثل اینکه حسرت
دارند ملکه زیبایی اندام باشند اما بچه
شرطاً بشرط آنکه هیچ زحمت نکشند
هیچ ورزش نکنند از غذایشان چیزی
کم نکنند و کمترین تئیرری در بر نامه
کار و غذای روزانه شان ندمند خوب
بغاطر دارم هفته گذشته دختر خانم بیست
و سه ساله ای که شکمش زیاد از سنش
بزرگ بود برای کوچک شدن آن مراجعه
کرد گفتم: روزی دو مرتبه، یکمرتبه
صبح و یکمرتبه عصر هر دهم ده دقیقه
باید ورزش کنی که گفت ای آقا مگر کسی
حوصله ورزش دارد؟ در عرض کردم پس
باید رژیم غذایی بخصوص بگیرد تا
چربی های زیادی بدن و شکم شائب
بشود برسد، مثلاً چکار کنی؟ گفتم مثلاً
شبها برنج نخوری - گوشت نخوری -
نک کنتر با غذا میل کنی. شاه هایش
را بالا انداخت و گفت به، چه حرف ما
اولا من از شکم نمیتوانم بگذرم، الان
که خدمت شاستم حال و حوصله ندارم
اگر شب شامم نخورم یا گوشت نخورم
که دیگر هیچ حس راه رفتنم نتوانم
داشت تا نایا چیز غریبی است اتفاقاً غذای
شور آتقدر دوست دارم که غذایی که
برای همه شورا است برای من بی شک است
گفتم: میفرماید چکار کنی؟ گفت: دوا
هر چه بدهی میخورم همین دوا السلام!
ملاحظه میفرماید دختر خانمهای ما
باین طرز میخوانند خوشتر و خوش
هیکل بلکه ملکه زیبایی اندام بشوند
در حالیکه من بشاقول میدهم همین دختر
خانم را که اسم پر دم وقتی از سن ۲۰
بگذرد بقدری چاق و بد هیکل بشود که
نه فقط از حیث راه رفتن و گردش در زحمت
باشد بلکه جرأت نکند در هیچ جلسه و
میهمانی شرکت کند.

حالا با اجازه شا زندگی یک ملکه
زیبایی سوندی را برای شاشرح میدهم
تا ملاحظه بفرمایید شرط اول و آخر
ملکه زیبایی شدن فقط و فقط رعایت
کلیه اصول بهداشت است و پس در حالیکه
باز بیشتر دختر خانمهای امروزی
تصور میفرمایند ملکه زیبایی اندام شدن
فقط و فقط بستن سینه بند و شکم بند و
کرست های مخصوص و آرایش با بود
ما و ناتیق ها و کرم های مخصوص است
و پس غافل از اینست که:

صدا نکتته غیر حتمن بیاید که تا کسی
مطبوع طبع مردم صاحب هوش شود
و اما شرح زندگی ملکه زیبایی
رادر سه قسمت میتوان خلاصه کرده اول
غذاهای روزانه دوم ورزش و بالاخره
وضیعت بهداشت و رعایت نکات بهداشتی
غذاهای روزانه یک ملکه
زیبایی اندام:

صبح فقط آب دودا و برتقال -
دودا نه یسکویت کره زده ولی خاطر تان
باشد که نه جای میخورد و نه قهوه
ساعت ۱۰ صبح، یک بشقاب غذا که
عبارت باشد از گوشت سرخ کرده و
میوه اما سلاوه و مشقات آن یا چیزی
بنوان «Hors-D'oeuvre» حتی
موا دناشته ای نیخورد فقط لکی نان
باین بشقاب غذایش میخورد - ملکه
زیبایی اندام با ناعارش فقط یک بطری
شیر بنوان مشروب می خورد.
بقیه در صفحه ۷

در روشنائی، در مقابل او ایستاده بود زلف خرمائی و دریش کوتاه و چشهای آبی
و قیافه متمم او تئیرری نکرده بود. پس از چند لحظه سکوت گفت:
- استانیلاس خیلی دیر آمدید اما از دیدن شما خوشحالم.
- استانیلاس با تعجب گفت:
- واقف! منم از اینکه تو خوشحالی خوشحالم.
و چون کالیست خود را بسینه او میفشرد گفت:
- بواش: یک چیز شکستی در جیبم دارم.
و با احتیاط یک بسته کوچک کاغذی از جیب در آورد و کاغذ را باز کرد یک
شیشه کوچک کریستال بود که یکطرف آن با خط طلائی N نوشته شده بود.
- من این را در یک دکان عتیقه فروشی پیدا کردم این شیشه مال کارولین
مورا خواهر نایلتون وزن مارشال موردا بوده است فکر کردم آترا برای تو بفرم.
کالیست فریاد زد.
- سرسی استانیلاس. من میتوانم با این هدیه هائی که از اشیاء زمان
امپراطوری برای من میآورید یک موزه ترتیب بدهم!
استانیلاس تئیری بر لب آورد و گفت:
- بدفکری نیست عزیزم. امیدوارم این اشیاء بتواند ترا سرگرم کند. در نایلتون
بتوبد نیکندرد:
زن جوان جواب داد:
- آکر شما بیشتر مرا همراه میبردید خیلی بیشتر خوش میگذشت از تنهایی
شده میوشم.
چهره عتیقه فروش دردم گرفت.
- خود منم از این موضوع ناواحم اتفاقاً میخواستم بتو بگویم که با جارم
چند روز ترا تنها بگذارم من تا امروز باید اینکه نیکلا بر گردد مسافرتم را عقب
انداختم اما نیکلا مثل اینکه دیگر میل ندارد بنایلتون بر گردد
کالیست فریاد زد:
- باید برام همراه ببری. من نمیخواهم تنها اینجا بمانم: منم میخواستم



همیشه تاحدودی در بازی با آنها
شرکت میکرد ولی همیشه میخواستند
وارد بازی خطرناکی شوند از آنها
دور میشد.
جمال همیشه مات و مبهوت بنظر
میرسید. دائماً در اطراف یک چیز
«مجهول» فکر میکرد، تا اینکه مثل
پدرش دیگر زیاد حرف نیز زد و زیاد
نمیخندید.
باین احوال، از همان کودکی
سعی میکرد که ناز خود را ترک نکند
ساعات ناز در منزل عبدالناصر اندی
مقدس بود و هنگامیکه جمال هفت ساله
شد گذاردن ناز بر او واجب و لازم شد
و حتی ملزم بود که روزی را نیز بیجا
آورد.
در آن موقع «عبد الناصر» چهار
فرزند داشت.
وقتی که جمال هشت ساله شد،
اندامش رشید و قدش بلند شده اندامش
مخصوصاً باهای بلند او خیلی جلب
توجه میکرد ولی باز فکرش در جای
دیگر سیر میکرد و مادرش ناچار بوده همه
چیز حتی خوراک و خواب را یادش
آورد.
روزی، عبدالناصر و همسرش تصمیم
گرفتند که جمال را بقره بفرستند جمال
بقیه در صفحه ۶

جمال عبدالناصر

افتخارات ریاست جمهور مصر، بارهنگام «جمال عبدالناصر»
را در دنیا بر سر زبانها انداخت
جمال عبدالناصر، سرهنگ سی و هشت ساله ای که امروز «مقتدر
ترین مرد مصری» لقب گرفته و در فروردین پر سر و صدای روز
شبه گذشته برای مدت شش سال ریاست جمهوری مصر انتخاب شد
طی مقاله کوتاهی سرگذشت خود را برشته تحریر کرده و آقای کاظم
چایچیان آترا از عربی فارسی ترجمه کرده است:
جمال برترین صفات پروردگارا است.
شعب و روز پدر و مادر برسر
کهوازه فرزند خود می نشینند و آینه
او فکر میکنند.
پدر می گفت:
- فرزندم باید مثل من کارنامه شود
ولی مادرش می گفت:
- نه، پسر باید خیلی بالاتر از
اینجا باشد ...
چرا گوشت شیخویریم!
مغز روز بروز بزرگتر می شد
و هر چه بزرگتر میشد علاقه وی نسبت
بولدیش و مخصوصاً مادرش بیشتر
میکردند. پدرش خیلی سختگیر بود
ولی مادرش برعکس زن آرام و دوست
میزخورد!!
کمان میکند آترا آمد.
بعد زیر لب گفت:
- حالا که از موضوع مطلع شده ام با او صحبت خواهیم کرد.
کارمینا وحشت زده گفت:
- به خانم چیزی به آقا نگویید.
و با صدای آهسته اضافه کرد:
- از آنچه من بشا گفتم حرفی نزنید! این موضوع را دوستم «ژولیانو»
بین گفت و اگر او بفهمد که من حرف او را پیش شما تکرار کرده ام برایم خطرناک
است ... افراد دسته کامورا صورت کاسی را که اسرارشان را فاش کنند با تیغ
از شکل بی اندازند!
کالیست گفت:
- بسیار خوب حرفی نزنیم. تو یکی از این روزها باید این «ژولیانو» را
بیش من بیآوری حالا برو!
دختر خدمتکار با وجود اندام گوشت آورد خود با سرعت و چابکی عیبی از
اطاق خارج شد. کالیست جنبه های لباسش را مرتب کرد و آماده پذیرائی از
شوهرش شد.
«استانیلاس» مرد ددشت هیکل بود که شاید هنوز بن چهل سالگی
فرسیده بود.
وقتی وارد اطاق شد بطرف یکی از بنجرها که نور روز از لای برده آن
بداخل اطاق قوذ میکرد، رفت کالیست او را صدا زد:
- استانیلاس من اینجا هستم. میل داری یک شربت برای شام درست کنی؟
چقدر دیر بخانه می آئی!
- میخواهی برهه را عقب بزنم؟ این اطاق خیلی تازیک شده است!
لحن آرام و با نشاط «استانیلاس» ترس و وحشت کالیست را زایل کرد.
عتیقه فروش بدون اینکه منتظر جواب زشت بشود یکی از پرده ها را عقزد
اطاق نا حدی روشن شد. کالیست با کنجکاو چشم به شوهرش دوخت: استانیلاس

دومارس ۱۹۶۸، سراسر مصر
برهبری «سعد زغلول» یکپارچه قیام
شده بود و تمام داش آموزان و
کشاورزان باین قیام ملحق شدند.
قیام ملی مصر بخانه ها هم سرایت
کرد و زنان از منازل بیرون ریختند
و دودشوش مردان بمبارزه پرداختند
شهراسکنندریک بشعله آتش شده
بود، و مردم تظاهر میکردند و لفظه ای
صدای گلوله خاموش نمی شد،
اسکنندریه مانند قلمه ای در آمده بود
که میلیون از آن دفاع میکردند.
در میان این هیاهو، مادری روی
اولین پس خود که بیش از یکسال از
عمرش نمی گذشت خم شده بود و به
آینه او فکر میکرد.
باخود می گفت اگر واقعا وضع
عوض شد سرنوشت فرزندم چه خواهد
بود!
خانواده «عبد الناصر حسین» که
کارمند کوچکی بود از قبیله «بنی مر»
در نزدیکی شهر «اسیوط» بودند
که شهر اسکنندریه آمده در تنهایی
زندگی میکردند
عبد الناصر اندی پس از یکسال
از دواج خود دارای پسری شد و تمام
خانواده متفقاً گفتند که باید نام این
نوزاد را «جمال» گذاشت زیرا

از: رمون دومه
کارمینا گفت:
- خیال خانم راحت باشد! همه مردم نایلتون پرنس را می شناسند. پرنس
از اعضاء مهم «کامورا» بود و غیبت افراد کامورا و مسافرت های طولانی آنها باعث
تعجب کسی نمیشود.
کالیست بفکر فرو رفت. ناگهان دسته کامورا بنظرش چون تار بود محکی
آمد که او علی رغم میلش در بالای آن گیر کرده بود.
دوباره برسد:
- فکر میکنی که پرنس بر گردد؟
دختر خدمتکار جواب داد:
- مطمئن هستم. اگر زنده باشد، خانم بهتر میداند که یقیناً بر میگردد!
زن جوان تکائی خود، و برای پنهان کردن اشفتگی خود بازو را بلند
کرد و گفت:
- من چقدر لاغر شده ام.
کارمینا با لحن محکم گفت:
- خانم خیلی آشفته هستید. اگر در این هوای گرم بگردش در شهر ادامه
بدهید مریض خواهید شد ...
کالیست ناگهان از جا بلند شد و گفت:



فقراى هندى و آب گنگ



ماه ژوئن هر سال فصل تقدیس با آب رود گنگ است، رود گنگ مهمترین و مقدسترین رودخانه‌های هند بشمار می‌رود، هندوها عقیده دارند که شستوبآب این رودخانه گناهان انسان را پاک می‌کند، علیهذا در فصل گرما با طرف این رودخانه هجوم کرده در آن آب تنی میکنند.

همچنین هندوها اجساد اطفال و پیرمردان و لاشه سوخته و خاکسترشده متوفیات خود را در آب این رودخانه میاندازند. در این تصویر عده‌ای از فقراى هندى (نارکین دنیا) دیده میشوند که با تشریفات خاصى بطرف گنگ می‌روند تا روح و جسم خود را با شستوب آب گنگ پاک کنند.

دختر پانزده ساله‌ی که با «لو لور بیجیدا» و «سوفیالورن» رقابت میکند!



«سینتاروللا» ستاره پانزده ساله ایتالیایی که آخرین کشف سینمای ایتالیاست، اکنون غوغائی در ایتالیا برپا کرده است. این دختر عجیب با آنکه از محیط مدرسه سینما کشیده شده با اینوصف تاکنون فیلم های متعددی بازی کرده که مهمترین آنها «هلن اوف ترویا» می باشد. در این فیلم وسایر فیلمهایی که از «سینتاروللا» برداشته شده نهایت قدرت و تسلط را در هنرپیشگی نشان داده است.

مفقدین سینمای ایتالیا میگویند این دختر سبزه و نامنگ بطور یقین تا چند سال دیگر بازار زینا رویان و هنرمندان ایتالیا را از سکه خواهد انداخت.

از این سرتا آن سرجهای

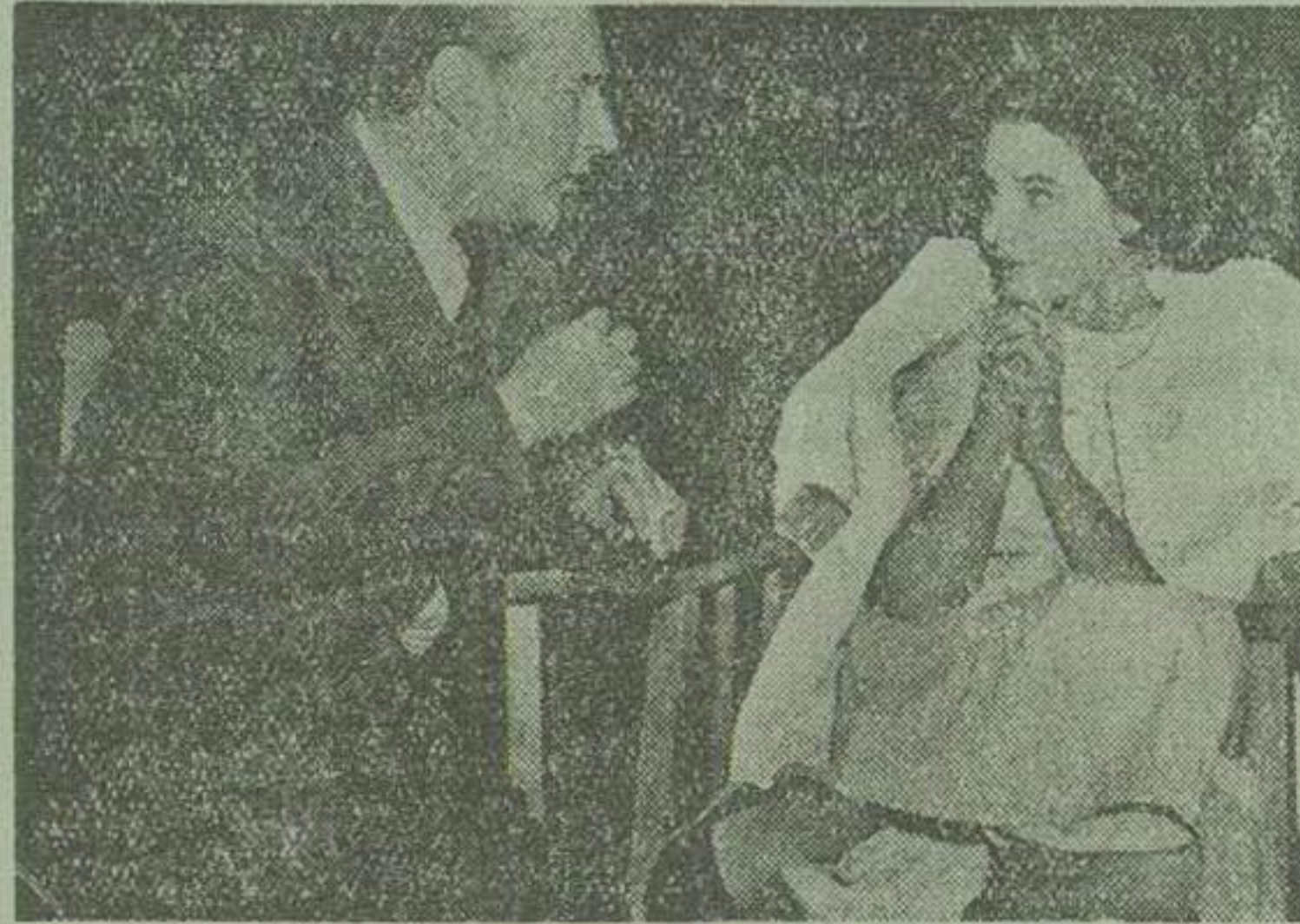
جون کولین ورود توروسیلینی

روبرتوروسیلینی کارگردان مشهور ایتالیایی که شایع است میان او و زنش شکر آب شده، اکنون در لندن پسر میرسد روسیلینی در آنجا مشغول تهیه فیلمی بنام «زن دریا» است.

بخلاف فیلمهای سابق روسیلینی این بار «اینکریه برکن» دل اول این فیلم را ندارد، بلکه ستاره انگلیسی «جون کولین» نقش اول را در فیلم «زردریا» بعهده خواهد داشت.

جون کولین برای آنکه بتواند دل خود را مطابق دلخواه روسیلینی ایفا کند مجبور شده موهای بلندش را نیز کوتاه سازد.

در این فیلم جون کولین نقش زن پنهانده‌ای را بازی خواهد کرد که میخواهد بدریای هند برود.



سناریوی فیلم توسط ر. حکیم سناریست مشهور نوشته شده و ژرژسوری قلم بعهده روبرتوروسیلینی است. در این تصویر روسیلینی همراه ستاره انگلیسی «داستودیوی «الستری» دیده میشود.

ذاتی در تنهایی

بقیه از صفحه ۴

درک کنیم، میتوان گفت که روح را در عالم خود پیروز ساخته‌ایم. معمولاً مردان روحانی و پادشاهان روح بزرگ دارند. توانسته‌اند از این نوع تنهایی لذت برند و تأملات خود را در آن منشأ تجربات و عبرتهای گرانبها قرار دهند.

دکتر «میرتورانس» میگوید: «این میل شدید بنفاهم و شناسائی عمیق که قلب بشر هنوز بذرک آن نازل نمانده، خود یکی از دلایل اثبات وجود خداوند است زیرا تنها خداست که میتواند با احساسات نهانی و افکار و اندیشه‌های صامت مآراء یابد. از دیرباز یکی از اهداف دین، آن بوده است که ما بیاموزد چگونه در تنهایی عمیق و طبیعی خود وجود خداوند را در نهاد خویش حس کنیم و آنچه در بسته قلب خود را که هیچکس نمیتواند بدان راه یابد، آکنده از وجود خدا بایم «لیونیکستون» یکی از کاشفان مجاهل افریقا هنگامیکه از سفر دو روز دراز خود در افریقا بازگشت، ضمن صحبت برای دانشجویان دانشگاه «کلاسکو» در امریکاجنین گفت: «آیا میل دارید برای شما بگویم درین سفر طولانی که ایام آن مانند روزگار بگذرد، چه چیزی مایه آسایش خاطر و نجات اراده من شد؟ هیچ چیز جز اینکه هر وقت تنهایی شدم، حس میکردم که خداوند بین من میگوید: نگاه کن: من دائم باتو هستم.» دکتر «فرنگ لو باخ» که با توصیف افکار علی برای درک وجود خدا شهرت یافته است میگوید: «هر قدر شدیدتر احساس تنهایی می کنی، یقین داشته باشی که هرگز تنها



در آرایشگاه

بدنبال اتومبیلهای متخلف
«علی بو طوغ» وزیر کشور سوریه یکی از وزرائی است که مبارزه شدیدی را علیه وسائل نقلیه ای که از مقررات عبور و مرور تخلف مینمایند شروع کرده و حتی شخصاً تعقیب اتومبیل های متخلف میردازد.

هنگامی که خیر تعقیب اتومبیلهای متخلف از طرف وزیر کشور سوریه در مطبوعات منتشر شد، مطبوعات عراق حمله شدیدی به سید فزاز وزیر کشور عراق نموده و از وی خواستند که از رویه وزیر کشور سوریه تبعیت نماید.

وزیر کشور عراق وسیله تلفن با وزیر کشور سوریه تماس گرفت و گفت: - برادر این چه کاریست پیش گرفته و ما را گرفتار روزنامه نویسی کرده‌ای؟

وزیر کشور سوریه پاسخ داد: - کاری ندارد تو هم راننده کان متخلف را تعقیب کن!

رادیونی که با آفتاب کار میکند



مخترعین و مهندسی یکی از کیهانهای رادیوسازی در امریکاساختن رادیونی موفق شده اند که احتیاجی بپرق و باتری نداشته و نیروی خود را از اشعه خورشید دریافت می‌دارد. این رادیو که بی شباهت برادیوی معمولی نیست دارای دو تکه می باشد که توسط یکی از آنها میتوان رادیو را خاموش و روشن کرد و توسط تکه دوم میتوان استگاههای رادیو را مطابق دلخواه گرفت که این رادیو هنوز آنطور که باید و شاید در کلیه شهرهای امریکا و اروپا بفروش نرفته معذک وقتی انسان بکنار دریا میرود ملاحظه می کند که عده زیادی از مردم دارای یک چنین رادیویی هستند که آنرا در آفتاب قرار میدهند و پس از چند دقیقه رادیو شروع بکار میکند، این قبیل رادیوها توسط کیهانی سازنده برای یک مریضانت شده است.

در داخل این رادیو یک نوع باتری مخصوصی قرار دارد که دارای ورقه های سیلکان می باشد که نور خورشید را گرفته و تبدیل بانرژی الکتریکی می کند شاید شما تصور کنید که دیگر در روزهای ابری و بارانی این نوع رادیو مورد استفاده نیست در صورتیکه این خلاف حقیقت است. باتری کوچک و مخصوص این رادیو مقدار زیادی نیرو در خود ذخیره میکند تا در مواقیکه هوا ابری باشد با استفاده از نیروی ذخیره بکار خود ادامه بدهد. قیمت این قبیل رادیو بارانهای معمولی چندان تفاوتی ندارد مقامات مطلع در امریکا اظهار میدارند که این قبیل رادیوها در مناطق استوایی و حاره بسیار مورد استعمال دارد.

عکس زیبا



بانش جزیره

نتیجه مسابقه فوتبال باشگاههای فرانسه

بزرگترین مسابقات فوتبال فرانسه که بین قهرمانان فوتبال شهر «لیل» و «نیم» در بارک پراس با نورافکن های قوی روشن شده بود با نتیجه سه بریک بنفع قهرمان شهر نیم خانه پذیرفت.

با وجودیکه تیم لیل بازنده مسابقه معرفی گردید ولی ورزشکاران لیل بخصوص «سوبرینک» بهترین بازیکن مسابقه معرفی گردید.

بهترین رکورد شنای آزاد «کریس ون استانس» دختر دوازده ساله امریکایی که در مسابقات شنای بانصت بارد «چهارصد و پنجاه و هفت متر» در آزاد زنان جهان شرکت کرده بود رکورد سابق را شکسته و مقام اول دنیا را بدست آورد. این دختر جوان این فاصله را در مدت پنج دقیقه و دو ثانیه و پنج دهم ثانیه پیوست.

رکورد سابق که در سال ۱۹۵۲ در «کینپاک» دانمارک بدست آمده بود مساوی پنج دقیقه و پنج ثانیه و سه دهم ثانیه بود.

این قهرمان مسافت صد بارد را در مدت پنجاه و دو ثانیه و پنج دهم ثانیه بهترین رکورد جهانی را از خود باقی گذاشت.

نیستی پدر را خداوند با شاست. از راهی که میروید، یقین بدانید خداوند در کنار شماست. کارهای روزانه خود را بر این اساس که خداوند شریک زندگی شماست، مرتب سازید. با این فکر که شریکی بنام خداوند، هیچوقت در زندگی احساس تنهایی نخواهید کرد. او همیشه در تنهایی شماست. آدام باش من باتو هستم این ندا را همیشه میتوانی از روح خود بشنوی.

ویکیاره از اجابت بایک حرکت سریع خود را بدرسانه و آنرا باز کرد. و با یک زن روبروشد آن زن بطوری غافلگیر شد که فرصت نکرد کوچکترین حرکتی بکند. عتیقه فروش که بنوبه خود بطرف درآمده بود بانحسب گفت: - شما بد کالیست! اینجا چه میکنید؟ چطور توانستید... سن دران بالجن تسخر آمیزی گفت: - یقیناً خانم شماست! احترامات مرا بپذیرید خانم فکر نمی‌کردم باین زودی انتخاردین شاد را پیدا کنم. کالیست چند لحظه مردمانه بد ناکهان تصمیمی گرفت. سردا بلند کرد و خندید: - آنا بان درباره چه موضوع اسرار آمیزی تصمیم میگرفتی که حضور من زائد بود؟ سن دران نگاهی بسرابای زن جوان انداخت و فکر کرد: «زن قشنگ حله کری است و بهترین دوستی او را جلب کرد» سرخم کرد و گفت: - خانم حضور یک زن قشنگ هیچوقت زائد نیست. صحبت مای تواند بیه موقوف شود. بد با کمال احترام دست کالیست را بوسید و او را بطرف یک صندلی راحتی برد. کالیست آهسته گفت: - شوهرم پیشترسی دارد موضوع را از من پنهان کند تا مپان او... عتیقه فروش نگاه تندى برش انداخت و گفت: - شما در خانه خودتان هستید. و اگر مارکی دوسن دران از این ورود عجیب شما چشم پوشی میکند منم حرفی ندارم. کالیست نسی بر لب آورد. از اینکه حرکت او عواقب نامطلوبی بیاریا ورده است خوشحال بود.

کالیست فریاد زد: - پس من میروم لباس بپوشم! بد با عجله بطرف اتاق دیگر دوید. استانیلاس نگاهی بطرف دری که کالیست از آن خارج شده بود انداخت و پیش مهبان خود نشست. گفت: سن دران بعضی اینکه در کتابخانه در مقابل میزبان خود نشست، گفت: - دوست عزیز، من مایل بوم شخصاً برای فالیتهای هفته‌های اخیر شما تبریک بگویم شما واقعا کمال شایستگی را از خود نشان داده‌اید. مارکی تازه بنا بل وارد شده بود ولی در قیافه اش هیچگونه آثار خستگی یک مسافرت دراز دیده نمیشد. یک لباس گرم مرتب بتن داشت و توجهی ببل‌ها و تزئینات عالی اطراف خود نمیکرد.

استانیلاس جواب داد: - نباید میبانه کرد. من هر چه توانستم کردم بلاوه من متاهل هستم... سن دران حرف او را قطع کرد: - میدانم، میدانم یک زن فرانسوی دارید اینطور نیست؟ اگر بغض اطرا و چنین شجاعت وزیرکی از خود نشان داده‌اید باید باو تبریک گفت، من آخرین گزارش شما را خوانتم حضور من در لهستان دیگر لزومی ندارد. دوستان ما آماده هستند. مارکی ناکهان حرف خود را قطع کرد نگاه تندی بطرف یکی از درهای اطراف انداخت مثل اینکه از پشت آن صدائی شنیده بود.

استانیلاس گفت: - میتوانی ب راحتی حرف بزنی مستخدمین را از این جا دور کرده‌ام و کاملا تنها هستم. سن دران گفت: - من برای اینکه از اهمیت واقعی قوای خودمان در اروپا مطلع بشوم بخرابین کنکره افتادم. باید تمام قسمتها را هم آهنگ کرد. من از حرارت و هیجان قوای جوان خودمان میترسم در آلان... سن دران با حرف خود را قطع کرد و آهسته گفت: - من مطمئن هستم بکنفرشت این دراست

با شایسته کلمه حرف بزیم. چه اسرادی در کار شما هست که نمیتوانید بین بگوئید می بینم که سن اعتماد ندارید. استانیلاس بالجن بلایمی گفت. - کارهای من برای تو جالب نیست. امور تجارتمی من اسرار آمیز نیست فقط برای دختر خوب و فشنکی مثل تو نوشته‌کننده است... کالیست فریاد زد: - پس بگوئید که من یک بچه بی‌شمار هستم. شما هیچوقت پیش من نیستید و بمن بچشم یکی از اشیاء عتیقه نگاه میکنید. اما شما زنها را نمی شناسید استانیلاس بمن بگوئید از من چه توقع دارید و منم بشما خواهم گفت کسه چه آرزوی دارم! استانیلاس گفت: - عزیزم چرا عصبانی میشوید. من مطمئن دارم که شما زن قهیمه عاقلی هستید. من برای تأمین سعادت شما کوشش میکنم اما نمیتوانم راضی شوم که شما در معاملات و خرید و فروش عتیقه حاضر باشید. از اینکه میبخواهید همراه من بیایید خیلی خوشحالم و اگر بتوانم شما را همراه خواهم برد. لحن استانیلاس قائم کننده بود و جای اعتراضی بنگذاشت. کالیست دو فکر جواب مناسبی بود. اما ضربهای بد بخورد ورشته افکارش را پاره کرد دختر خسته‌متکار لاج در ظاهر شد و گفت: - یک مارکی میبخواهد آقا را ببیند. عتیقه فروش برش که روی کانا به دراز کشیده بود نزدیک شد زلف او را نوازش کرد و گفت: - اینطور ناراحت نباش مطمئن باش بکده‌تمه دیگر ترا همراه میبرم کالیست پرسید: - این مارکی کیست؟ - اگر قشنگترین لباس را بتن کنی امروز او را بتو معرفی خواهم کرد بکنفر فرانسوی است و امیش مارکی دوسن دران است.

فانترین اخبار سینما

دختران ...

خبر رسیده از کلبانی «متروکلون مایر» حاکی است که با «بتری کاینور» ستاره معروف که اخیراً قراردادش با کلبانی «فوکس قرن بیستم» با تمام رسیده کنتراتی امضاء نموده تا وی در مقابل «لسلی کارون» و «جن کلی» رادریلم رنگی و سینماکوب «دختران» که توسط «سولسی سیکل» تهیه میشود بازی کند.

کارگردانی این فیلم بعهده «جورج کوکود» است و در نظر است کلیه صحنه‌های آن در اروپا و پاریس برداشته شود. تمامی آهنگ‌های این فیلم جدید خواهد بود و با «کول پورتن» آهنگ ساز معروف و معاصر آمریکایی قرارداد می‌نماید که موزیک این فیلم را به بهترین وجهی تهیه کند.

فیلم موزیکال کلاسیک «دختران» کاملاً شبیه فیلم معروف «یک آمریکایی در پاریس» خواهد بود زیرا دو تن از هنرپیشگان اول آن فیلم در فیلم کنونی شرکت دارند و بدین ترتیب با احتمال قوی فیلم «دختران» شاهکار باادری از کار در خواهد آمد.

عشق در ۵۵ سالگی ...

بطوریکه اطلاع حاصل شده «کی اسپرکس» هسرتینگ «کلارک گیل» هنرپیشه معروف سینما در اثر بیماری که ناشی از قلب وی میباشد در یکی از بیمارستانهای هالیوود بستری گردیده است. «کلارک» و «کی» یازدهم ماه ژوئیه سال گذشته با یکدیگر ازدواج نمودند و بی‌اندازه محبت آن‌ها نسبت یکدیگر زیاد است بطوریکه اکنون که «کی» در بیمارستان بستری میباشد «کلارک گیل» برای اینکه تنها نباشد و ضمناً نزد همسر خود بماند در اطراف «کی» در آن بستری است تختی گرفته و خود را بدون اینکه هیچ‌گونه عارضه‌ای داشته باشد بستری کرده است. «کلارک» و «کی» عارضه «کلارک» بیماری مزمن عشق در ۵۵ سالگی است.

پیشرفت سینمای هندوستان

«سهراب مودی» تهیه‌کننده

معروف هندی که در سراسر هندوستان دارای تشکیلات فراوان و مجیزی است و چندین سینما نیز در شهرهای معتبر هندوستان متعلق باوست است اخیراً جهت پاره‌ای اطلاعات در باره سینمای ایران و بازار فیلم‌های هندی در این کشور مسافرتی به تهران نموده است.



مستر «سهراب مودی» تهیه‌کننده معروف و درجه اول هندوستان که اخیراً به تهران آمده است

وی روز چهارشنبه سیزدهم

تیرماه در محل انجمن ایران و هند جلسه‌ای تشکیل داد و طی آن جلسه از عده‌ای از زمین‌پژوهان سینمای تهران و فیلم واردکنندگان جزء پذیرای نمود.

مستر «مودی» در این جلسه

اطلاعاتی نمود که مایل است با کمک هنرپیشگان ایرانی و سوزده‌های مربوط به ایران فیلم‌هایی تهیه نماید و بدین ترتیب برای نخستین بار فیلم‌هایی یکم دو کشور تهیه و پیازار بیاید زیرا در حال حاضر صنعت سینما در هندوستان با پیشرفت قابل ملاحظه خود و هم چنین تکنیک بسیار قوی که بدست آورده قادر است از هنرپیشگان ایرانی در فیلم‌های هندی به علاوه سوزده‌های دست نخورده تاریخ ایران استفاده کند.

سینما «مودی» اشاره باین موضوع نمود که از چندین قبل با نظر میزان فروش فیلم‌های هندی در ایران و بازدهی آن‌ها و چنانچه اطلاع داریم فیلم هندی «آواره» در این کشور با موفقیت خارج از تصور رویروده است و این خود نشان میده که علاقه ایرانیان به فیلم‌های هندوستان زیاد است و چه بهتر که ما با همکاری بین دو کشور این علاقه را بصورت یک مودت پرمنفعت در آوریم.

برای اطلاع خوانندگان یادآور میشود که در حال حاضر در کشور هندوستان ۹۰ استودیوی فیلمبرداری مجهز با آخرین وسایل تکنیک سینما وجود دارد و در حدود ۳۰۰ نفر تهیه‌کننده در این استودیوها بکار ساختن فیلم‌های نوآگون اشتغال دارند و کلیه این محصولات توسط ۶۰ موسسه توزیع فیلم در سراسر هندوستان و کشورهای خارجی پخش میگردد. جمعیت هندوستان بالغ بر ۳۶۰ میلیون نفر میباشد و شاید نصف این جمعیت علاقه‌مند به سینما باشند و لااقل صدی ۶۰ فیلم‌ها چه خارجی و چه داخلی را تماشا کنند. برای فیلم‌های هندی معمولاً خرج زیادی میشود و تنها حقوق آرتیست اول یک فیلم بطور متوسط ۱۵۰۰۰۰ روپیه میباشد و سهم تهیه‌کننده‌ای از فیلم خودش بالغ بر ده میلیون روپیه است تا مالک گشته کشور هندوستان از نظر تهیه مقدار فیلم‌ها بسیار با بودجه در دنیا مقام اول را داشت لیکن در عرض یکسال اخیر کشور ژاپن با تولید فیلم‌های متعدد این مقادیر را احراز کرد و با وجود این هندوستان اکنون رتبه سوم را حاز است.

تعداد فیلم‌هایی که در عرض یکسال در هالیوود تهیه میگردد معمولاً به ۴۰۰ میرسد و ژاپنی‌ها با استفاده از وسایل و تجهیزات پیشرفته از چندین طرف از طرف دولت برایشان مهیا گردیده توانسته اند سالیانه در حدود ۲۰۰ فیلم مختلف بسازند و بدین ترتیب هندوستان با تهیه ۱۵۰ الی ۱۶۰ فیلم رتبه سوم را در دست دارد.

از میان فیلم‌های زیادی که تا بحال در استودیوی «وسترن ایندیانا» متعلق به «سهراب مودی» تهیه گردیده و معروفیت زیادی بدست آورده‌اند بایستی از «کودن» «میرزا کالی» «واکسی» «بانر بانجلی» و غیره نام برد.

استر ویلیامز درام بازی میکند ...

مانندطور که قبلاً با اطلاع خوانندگان عزیز رساندیم «استر ویلیامز» بنابر پیشنهاد و دعوت کلبانی «یویورسال اینترنشنال» باین استودیو رفت و بافتاق «جورج نادر» در فیلم رنگی و درام «لحظه معافیت نشده» شرکت نمود میس «ویلیامز» برخلاف رویه خود در فیلم‌های گذشته که تماماً توسط «متروکلون مایر» تهیه گردیدند.

در این فیلم یکلر دراماتیک را ایفا میکند گرچه هنوز فیلم‌موزون برای نمایش عرضه نشده اما محافل مطلع اینطور اظهار نظر میکنند که موفقیت فیلم «لحظه معافیت نشده» حتی خواهد بود و فرصتی بدست می‌آید که «استر ویلیامز» ثابت کند در بازی‌های غیر موزیکال نیز مهارت دارد و تخصص او فقط در شنا کردن روی برده سینما نیست «استر ویلیامز» اکنون ۱۴ سال است که در کلاسینا به هالیوود خدمت میکند و در فیلم اخیر خود در محله مدرسه‌ای عهددار است که پدایا یک حادثه جنایی کشیده میشود.

جمال عبدالناصر

بقیه از صفحه ۴



در قاهره زندگی دیگری یافت. قاهره یک بازار ملی بوده که همه جور آدم در آن یافت میشد.

اولین ضربت

جمال مرتباً نامه‌های بلندی برای پدر و مادرش مینوشت و پاسخ آن‌ها را دریافت میکرد. روزی پدرش نوشت که مادرش بملت گرفتاری بچه هانی. تو اند جوابش را بدهد ولی البته بوی سلام میرساند!

وقتی که موقع تعطیلات فرا رسید پدرش ناچار شد که خیرمک مادرش را بوی اطلاع دهد.

این اولین ضربتی بود که بر جمال وارد آمد و از آن بی‌دکوشه انزوا اختیار کرد و همه‌کس را ترک نمود، زیرا مادرش برای او همه چیز بود.

از آن پس دیگر هیچ چیز بجز درس و آینده خود فکرنیکرد، رابطه خود را با تمام اقوام قطع نمود. هرطور بود دوره ابتدایی و چند سالی از متوسطه را گذراند.

در سال ۱۹۳۰ وضع ناخوشایندی در مصر حادث شد «صدقی پاشا» قانون اساسی را لغو کرده و قانون اساسی دیگری تدوین کرده بود و قصد داشت آنرا با زور بر مردم تحمیل کند که تا کجا نطفان خشم ملت موج زد و سراسر مصر را تظاهرات فرا گرفت در سال ۱۹۳۳ جمال در اولین فعالیت سیاسی زندگی خویش شرکت کرد یعنی با عده‌ای از تظاهرکنندگان ضد دولت صدقی پاشا در دستگیر شد. شرکت نمود در آن تظاهرات یکی از پاسپانان با جو بدستی خود ضربت سختی بر فرقه زد و سپس او را بکلانتری برد و ۲۴ ساعت در کلانتری توقیف شد.

این ۲۴ ساعت نقطه تحول زندگی جمال بود ...

از آن روز سعی کرد که با عقل خود عمل این نارضایتی ملت را پیدا کند و بدین جهت شروع به مطالعه کتاب‌های سیاسی و تاریخ و شرح حال مردان نامی جهان نمود تا کنون بهترین سرگرمی او مطالعه چنین کتاب‌هایی است.

ستوان جمال

در سال ۱۹۳۶ باز دیگر سراسر مصر در این نارضایتی گرفتار شد و در این نارضایتی ملت را پیدا کند و بدین جهت شروع به مطالعه کتاب‌های سیاسی و تاریخ و شرح حال مردان نامی جهان نمود تا کنون بهترین سرگرمی او مطالعه چنین کتاب‌هایی است.

در این نارضایتی دوستی و دوستی میان چهار نفر از افسران از جمله جمال عبدالناصر مستحکم شد.

از میان این چهار نفر «انور السادات» جمال عبدالناصر و زکریا محی‌الدین» شهبان کناره‌ای نشسته و پیرامون اوضاع کشور به جروبخت میرادختند و در باره «مصر نوین» نقشه میکشیدند.

دوستی این افسران اولین ریشه انقلاب مصر بشمار میرود و جمال عبدالناصر همیشه بر قیامش میگفت: سلب اعتماد از افسران و ملت ما را در هم کوبید و ما باید سعی کنیم که ابتدا اعتماد را میان خودمان ایجاد کنیم بعد اعتماد مردم را نسبت بخود جلب نماییم تاریخ سیر خود را ادامه میداد چنگ جهانگیر دوم در گرفت و در سال ۱۹۴۲ انگلیسی‌ها کاخ‌شاه را محاصره نمودند و شروط خود را بر شاه تحمیل کردند و



دختران ... با هم میخواندند و شناسا میکنند

روشن توالی

بقیه از صفحه ۷

بد نیست بدانید که تقریباً پنجاه درصد خانها نمیتوانند آنطوریکه باید و شاید خود را آرایش کنند و توالی را صرفاً استعمال بود و ماتیکی می - دانند در صورتیکه مسئله مهم در توالی «زیباتر ساختن» و «حفظ زیبایی» است.

برای آنکه توالی برای پوست صورت مضر نباشد باید در هنگام آرایش شرایط بهداشتی پوست چهره را نیز در نظر گرفت و کاری نکرد که تغذیه، رشد و نمو سلولهای پوست صورت مختل بشود.

مثلاً استعمال بود در تابستان نه تنها مفید نیست بلکه مضر نیز میباشد. زیرا ذرات بود با هر قسورت آغشته شده قشری چسبیده و غیر قابل نفوذ در برابر پوست صورت تشکیل میدهد و مانع تنفس و تکثیر سلولهای پوست میشود.

استعمال کرم های زیاد چرب نیز در تابستان فوق‌العاده مضر است در اثر کرم حالت مایع بخود گرفته و سوراخهای ریز بین سلولهای پوست را مسدود میکند و در ضمن محیط خوبی برای رشد و نمو میکروبها ایجاد می - کند، بطوریکه گسائیکه در تابستان در تظاهرات آن سال دانشکاه پیشقدم بود و دانشکده حقوق پیشقدم دانشکاه جمال هم تصمیم گرفت که وارد دانشکده حقوق شود و بدین جهت همینکه دیلم خود را بدست آورد برای فرا گرفتن درس سیاست و قانون وارد دانشکده حقوق شد.

بوجب قرارداد ۱۹۳۶ درهای دانشکده افسری که تا آنروز بروی مصریها بسته بود برای پذیرفتن جوانان مصری باشد و تبیب جوان بطرف آن دانشکده هجوم برد جمال عبدالناصر هم وارد آن دانشکده شد و پس از اتمام دوره آن با درجه ستوان دومی وارد خدمت ارتش گردید.

از شاه خواستند که ارتش مصر را خلع سلاح نماید.

تمام این جریانات عکس العمل شدیدی در طبقات مختلف ملت و مخصوصاً افسران جوان که برای آزادی مصر نقش میکشیدند ایجاد کرد.

در سال ۱۹۴۸ مصر وارد جنگ فلسطین شد، در آنجا عبدالناصر و رفقایش تا آخرین نفس جنگیدند و فلسفه سیاسی انقلاب مصر «تکبیل یافت و هدف افسران این بود که مصر را از استعمار نجات بخشند.

افسران مصری که با لاجبار شکست خورده بودند با تصبایت از میدان جنگ بازگشتند و عبدالناصر که قبل از جنگ فلسطین ازدواج کرده بود در آبارتانی واقع در خیابان ملکه مسکن گزید.

افسران جوان در آبارتانی جمال عبدالناصر گرد میآمدند و برای آینده مصر نقشه میکشیدند. تمام افسران خواهان عمل سریع بودند ولی عبدالناصر طرفدار عمل «آرام آید» (Slow but swre) بود.

جمال عبدالناصر طرح انقلاب را برای مدت پنج سال ریخت و گفت که در این مدت میتوانم افسران بیشتری را گرد خود جمع آورم.

روز موعود!

آنروز هم مانند روزهای دیگر برای جمال عبدالناصر عادی بود. از صبح تظاهر خدمت کرد و هنگام ظهر بخانه خویش برگشت، در آنجا عده‌ای از رفقا منتظر او بودند ولی با آن‌ها صحبتی نکرد و فقط سرش را تکان داد و آنها فهمیدند که «لحظه حساس» فرارسیده است. در آن ساعت نقشه انقلاب را از لحاظ نظامی که عبدالعکیم هاجر طرح کرده بود مطالعه کردند.

نقشه انقلاب از ده روز پیش تهیه شده بود و از سه روز پیش با افسران طرفدار خود اطلاع داده بودند که از ساعت سه بعد از ظهر تانیبه شب آماده باشند ساعت ده بعد از ظهر جمال لباسهای نظامی خود را پوشید و بسر وقت عبدالعکیم عامر رفت در ساعت یازده یکفر از هندستان آنها سراسیه وارد اتاق شد و گفت:

در باره نقشه انقلاب مطلع شده است.

دیگر منتظر نشدند و دست بکار گردیدند زیرا اگر اقدام نیکردند و یا اگر شکست میخوردند در هر دو حال مرگ در استقبالی آنها بود ولی آنها در سبک کردند و پیش بردند و در چند نقطه با نیروهای دولتی زد و خورد خفیی نمودند تا سرانجام موفق گشتند.

بقیه جریانات را تمام جهانیان میدانند.

ماری تودور

شاهکار وینتور هوگو

ویکتور هوگو شاعر و نویسنده نامدار فرانسه مستفی از هر گونه تعریف و توصیف است. کتاب «ماری تودور» که ویکتور هوگو آزادشمار آثار برجسته خود بحساب آورده از زیباترین و بهترین آثار تاریخی اوست. این کتاب که نخست نمایشنامه‌ای در پنج پرده بود بوسیله نویسنده عالیقدر معاصر فرانسه - آندره - موروا «Andre maurois» تغییر یافته و بصورت ناول بسیار زیبایی در آمد. در این کتاب هوگو از عالیترین احساسات بشری سخن گفته و با لحن عشق‌ها را نشان داده است. کتاب «ماری تودور» که هنوز بفرسی ترجمه نشده در فرانسه بزرگی سن آورده شده و بجهت زبانهای زنده دنیا ترجمه گردیده است. «روز نخت»

عشق و محبت

«ماری» تودور ملکه قهار و عیاش انگلیسی در دربار با عظمت خود بساط عیس و طرب و نشاط و خوشی گسترده است. لرها، اعیان سنیورها و بردگان هر روز جمع میشوند. درین عصر در انگلستان هر روز صد ها نفر بناوین مختلف کشته میشوند و هم ادم تیغ یدریغ ملکه میکندند در برابر این مظالم هیچکس را برای دم زدن نیست. قرآن است ملکه به ازدواج پرنس اسپانیا در آید و بهین جهت نماینده پرنس اسپانیا بنام «سیون زناد» شب و روز در دربار ملکه مواظب اعمال اوست.

درین عشاق از سر و جان گذشته

ملکه، ستور جوانی بنام «فایانو»

فایانی که بعدها لقب (کنت دو کرا - نیاسیل) میگردد دیده میشود

«فایانی» جوان زیبا و پرانزده‌ای است. قد بلند و چشمان ناخدا او هر

بیننده‌ای را جلب میکند. هر روز و هر شب فایانی بدربار ملکه رفته و باوی

به عشق بازی میبرد و عشق ایندو

آقدر قدرت و نیرو میکرد که کم کم

پاهای دربار را میلرزاند و در هر گوشه

و کنار از آن سخن میکوبد. فایانی

مختار است هر کس را که بخواهد بکشد

لذا هر روز دهها فرزند سر میبرد و همه

در مقابل او تسلیم معض هستند.

در گوشه دیگر از همین لندن در یک



محل دور آمده، خانه معقری وجود دارد که در آن دو دل داده با هم زندگی میکنند. یکی «ژیلبر» یک کارگر شمشیر ساز و دیگری دختر زیبا و پرانزده و ملیحی بنام «ژان». ژان و ژیلبر مدت‌هاست یکدیگر را دوست دارند و جان و دل در راه یکدیگر میدهند. «ژیلبر» هجده سال قبل از آنروز کذایی در حالی که جوان نورسیده‌ای بود از آن راه کوچکی یافت و دخترک شیرخوار را بغانه برد و به تربیتش هت گماشت. ژان هر چند ژیلبر را بند خود میدانست اما عشق درونی و نهانی آندو را بهم میبویست. «ژیلبر» در کمال سادگی «ژان» را میپرستید و حتی بکلعه دوری او را چون میزانت سیاه ابدی پر رنج و عقاب میدانست.

...

آشب سردوسیه بائیزی، شهر لندن در تاریکی و غلیظی فرو رفته بود صدای آرام چکش‌های «ژیلبر» که بر روی سندان زده میشد سکوت را می‌شکست.

در پشت این دکان چراغ کم نوری سه پنجره شیشه‌ای کلبه‌ای را روشن کرده بود. صدای پای چکه بوشی متعاقب یک سکوت بلند شد و ژیلبر فهمید که از پشت دکان او کسی میکندد. لحظه‌ای بعد مرد جوان و زیبا و شیک بوشی که بی شک از خانواده نجیبو مقابل ژیلبر ایستاده بود. برق دشته آبدار ژیلبر که دشمن ناموس خود را شناخته بود در هوا درخشید اما کارگر نشد و «فایانی» بر حرفی در خفا فائق آمد.

«فایانی» غیر از ملکه متشوقه‌های بی‌شمار دیگری دارد که ژان زبیه‌ها یکی از آنهاست - ماجرای آن شب بایک تصمیم انتقام خوین پایان یافت. ملکه از این امر خبردار شد. یک ساعت بعد مرد زنده بوشی در تاریکی شب یک کیسه طلا و یک سته مهور به «ژیلبر» داد و از او قول گرفت که در توطئه انتقام او شرکت کند

هیچین از او خواست که این بسته مهرشده را جز روزی که ضرورت ایجاد نکند نکشاید

«ژیلبر» هنوز بغانه نرسیده سبازان او را میکشید و بدربار ملکه میرند و در نهان از آن راه نیز بدربار می‌آورند و مقدمه یک انتقام بزرگ فراهم میشود

در این وقت در سراسر انگلستان فریادهای اعتراض علیه فایانی بلند است و نامه‌های زیادی بدربار میرسد که باید او را بکشد و عده‌ای مخفیانه توطئه‌هایی می‌چینند و ملکه را تهدید میکنند که اگر در انتقام فایانی که بیشک خائن بوطن است غفلت بورزد، بالاخره انتقام گرفته خواهد شد. دل ماری تودور از این بابت نگران میشود و تصمیم میکشید در این باره نقشه‌ای طرح کند.

دو هفته روز

خشم و قهر و انتقام

ایسن عذاب با یک آفتاب تند و تیز و سوزان شروع شده و مردم لندن در انتظار یک خبر وحشتناک دقیقه شماری میکردند. در دربار ملکه «ماری تودور» سنیورها، لرها، نظامیان همه جمعند. ژان و ژیلبر که هر دو تبه شب گذشته دستگیر شده‌اند در گوشه‌ای میلرزند و ژان شرمین از این نیک شناسی خود زانزاره میکشد. فایانی را می‌آورند و ورود او با خنده و تسننر همه توأم است. ملکه او را مورد خشم و غضب قرار میدهد و ماجرای خیانت او را بیان میکند. دستور میدهد تا جلاد را حاضر کنند و کسی نماند که کدام یک از سه تن (ژان - ژیلبر - فایانی) کشته خواهد شد.

ملکه از این که عاشقش با خیانت کرده و دخترک سرراهی و فقیری در کار او دست برده و با متشوقش نرد عشق باخته سخت خشمگین است و میخواهد انتقام خود را بگیرد. داستان بر حادته آن شب با تصمیم غامی ملکه خانه میکشید: «ماری تودور» میخواهد ژیلبر، همان کارگر ساده و شمشیر ساز را بکشد.

جلاد می‌رود تا وسایل قتل را فراهم کند و لرها و اعیان نیز هر یک از گوشه‌ای فرامیروند مردم لندن قیام میکنند و خواستار قتل فایانی هستند زیرا او را جاسوس و خیانتکار بوطن دانسته و وجود او را در ملک عامل فساد و تباهی میدانند.

ولی ماری تودور بتسلیم در مقابل مردم حاضر نیست و از اینکه قیلاست به فایانی قدری خشم روا داشته و باو پرخاش کرده بود ناراحت می‌شود ملکه دستور میدهد در شهر جاز بزند که تبه‌شب امشب سنیو فایانی بدست جلادس بریده خواهد شد. همه برای تماشا حاضر باشند. اوقات فرمان میدهد تا ژیلبرت و فایانی را در دو زندان پهلوی هم حبس کنند و در راه را بکشند

بقیه در صفحه ۷

جدول جمعه

Table with 13 columns and 13 rows containing a calendar grid for Friday, 13th Tir month, 1335.

افق: ۱ - در هفته گذشته نخست وزیر روزنامه نگاران را هم با نجات داد...

عمودی: ۱ - لقمه الصبح - از سه پای خطرناک و کشته ۲ سال گذشته امیرالبحار بود...

حل جدول شماره قبیل

افق: ۱ - ناهار. مشاور. غروب - مردمان - اب-ازکان نریج - شرکت اجانه نار دلجان - خنک - هزینه - لا - رشوه...

آگهی مناقصه ۶۷ قلم ابزار و غیره

بنگاه برق تهران شصت و هفت قلم (۶۷) قلم ابزار از قبیل پیچ و مهره های مختلف...

پیشنهاد دهندگان باید واحد بهای هر قلم از اجناس را بعد و تمام حروف صریح و خوانا در پیشنهاد خود قید نمایند...

پیشنهاد های رسیده عصر روز ۳۵۴۲۵ در هیئت نظارت مفتوح و قرائت و برای رسیدگی بکمیسیون مربوطه ارسال و پس از بررسی کمیسیون و تایید هیئت نظارت برنده مناقصه نام خواهد شد...

بنگاه برق تهران ۱۱۳۶۲-۱

جمعیت محترم شیر و حور شمیداسرخی ایران سرکاد کتراصرفیصر افسریزک که بوسیله جناب آقای وکیل از لشکر ۳ تریزباین جمعیت معرفی و از تاریخ ۳۴۸۲۶ سرپرستی بیمارستان عباسی شیروخ رشید سرخیباندواب زایرهمه گرفته و بطورمطلوب تاکنون امور بیمارستان رو برعهده علی العصوصی قسمت فنون جراحی به دارای معلومات کافی و فوق العاده ماهر و قابل تقدیر است...

ماری تودور

بقیه ازصفحه ۶۴ فرمان ملکه اجرا میشود. ژان نالان و کربان بیای بوس ماری تودور میآید و قریباً دو هفته بعد ماری اودودل سنک ماری ارنیکند ماری تودور باومیکوبد که به ژیلبرت کاری ندارد و منظورش از «قتل» قتلگش قایبانی است...

ملکه زیبایی اندام

بقیه ازصفحه ۴ همرا هرگز گوشت نخورد بلکه قسطکی ماهی با تخم مرغ یا قندی سبزی تازه همراه با پنیر میوه و یک طرف بستنی میخورد...

روش توال

بقیه ازصفحه ۶ بهترین ماده برای جرب کردن صوت مطلقاً از دو برابر روغن بادام و یک برابر روغن زیتون است...



چش بروم وید RB ۷۷

رکوردشکن کار را تسهیل میکند RB ۷۷. از حیث تعادل و وزن طوری ساخته شده که حداکثر کار را بدون خستگی کارگر انجام میدهد...

شرکت سهامی بازرگانی سوسن خیابان شاهرضا جنب ایران شهر تلفن ۴۳۶۹۴ Issued by BROOM & WADE LTD., HIGH WYCOMBE, ENGLAND

بهداشت ملکه زیبایی اندام

هر روز صبح ده دقیقه ورزش سوزنی هفته ای یکبار به ورزش طولانی تر - روزی یک ساعت پیاده روی (در هر موقع از روز) - زمستانها در آب شامی کند...

کشیک پزشکان

آقای دکتر عباس جنازاده یزدی غیابان منوچهری دوبروی دبیرستان ژاندارک...

وزارت جنگ

سر رشته داری تیب مستقل فرمان تجدید آگهی مناقصه سر رشته داری تیب کرکان گوشت کوفته مصرفی یکساله افراد یادگان کرکان را که بایستی روزانه تحویل انبار خواربار سر رشته داری...

آگهی مناقصه ۱۶ قلم سیم روپوشدار و غیره

بنگاه برق تهران خرید (۱۶) قلم سیم روپوشدار از شماره یک و نیم تا پنجاه میلیترو مقادیری نوار سفید نخی - نوار سب - نوار زرد - سربنج - لوله برکان طبق سیاه موجود در دفتر کارپردازی تحویل انبار کارخانه برق (میدان ژاله) از طریق مناقصه خریداری مینماید...

رئیس سر رشته داری تیب فرمان سرهنگ افشار

دو طلبان شرکت در مناقصه میتوانند برای هر مقدار شاترده (۱۶) قلم اجناس را که موجود دارد پیشنهاد و در اینصورت معادل پنج درصد (۵٪) بهای پیشنهادی با رعایت شرایط مذکوره بالا برداخت نمایند...

حضور وراثت

بانوقیه پورجوادی رودسی دارنده شناسنامه شماره ۱۵۲ تقاضانامه ای مستند هفت برگ رونوشت شناسنامه و یک برگ رونوشت خلاصه مرگ و استعلامه محلی بدادگاه تقدیم و فوت امان الله پورجوادی رودسی دارنده شناسنامه شماره ۱۴۹ پندر خود را در تاریخ هفتم فروردین ماه ۳۵ در رودسر محل اقامت دائمی خود اعلام و آقایان علی دارنده شناسنامه شماره ۱۵۳ و اسحق دارنده شناسنامه ۱۵۴ و جواد دارنده شناسنامه ۱۵ و محمود دارنده شناسنامه ۳۹۱ پسران خود و بانوان زینب دارنده شناسنامه شماره ۳۹۰ و شهر - بانو دارنده شناسنامه شماره ۱۵۵ که نام خانوادگی هسکی پورجوادی رودسی است دختران و وارث منحصرتوفی معرفی پس از وصول تقاضا ثبت شماره ۳۲۰-۱۳۵ و استماع گواهی گواهان مراتب سنوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شناسنامه روزنامه اطلاعات آگهی میشود تا اگر کسی اعتراض یا وصیت نامه ای از متوفی داشته باشد ظرف مدت مقرر بدادگاه تقدیم دارد والا پس از انقضای مدت وعدم وصول اعتراض گواهی نامه صادر و هیچگونه وصیتنامه ای جزیری و رسمی پذیرفته نخواهد شد...

نوبت دوم ۳۵۴۱۶-۳۵ رئیس دادگاه بخش رودسر - محمد رضا تنگناغی ۷۴۷۲-۳-۲

آگهی حصر وراثت

آقای ولی الله توانگری دارای شناسنامه ۸ موالید از حوزة ۱۳ تهران فرزند علی اکبر از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده بدین توضیح خود که علی اکبر شہرت توانگری شناسنامه ۲ صادره از حوزة ۷ تهران فرزند کرلائی علی آقا در تاریخ ۱۹ آبانماه ۱۳۳۳ در کرج اقامتگاه دائمی خود بنبرد زندگی گذرته ورثه آن مرحوم منحصراً به ۱- کفایت کنند و حصر وراثت ۲- امرایه شناسنامه ۹ موالید حوزة ۳ کرج فرج الله شناسنامه ۱۶۸ موالید صادره حوزة ۱۹ تهران ۳- عنایت الله شناسنامه ۴ از حوزة ۱۳ تهران ۴- علی اصغر شناسنامه ۳ حوزة ۱۳ تهران ۵- قندی شناسنامه ۱۴۴ از حوزة ۱۳ تهران ۶- زینب شناسنامه ۱۳ موالید از حوزة ۷ تهران فرزندان متوفی ۹- نازی توانگری شناسنامه ۸۵ حوزة ۷ تهران فرزند عبدالله عیال دائمی متوفی و شهرت همگی وراثت توانگری اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را سه نوبت بی دهری ماهی یکبار تقدیم مینماید تا هر کسی اعتراضی دارد و با وصیت نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخصت آگهی ظرف سه ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و حصر وراثت نامعجز سری رسمی که سداد این موعده ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلا اثر خواهد بود...

حضور وراثت

تاریخ ۳۴۱۶۲۲۲۲ بانوقلمه بک زاده اصفهانی دارنده شناسنامه شماره ۳۳۸۸۹ صادر از اصفهان با ستاد رونوشت شناسنامه خود و یک برگ استعلامه محلی خلاصه مرگ متوفی درخواست بخواسته حصر وراثت بدادگاه بخش طهران تقدیم داشته که شصت اول ارجاع و تکلاسه ۲۷۹۳۳۳ ثبت گردیده و چنین توضیح داده است که مرحوم لطف الله بیگانه پورخوش باطن شناسنامه ۳۳۷۸۶ حوزة ۸ طهران در تاریخ ۲۹/۸/۳۵ در طهران محل اقامت دائمی خود فوت شده است و ورثه منحصراً پس از استماع گواهی گواهان مراتب سنوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شناسنامه و یکی از جرایم کثیرالانتشار محلی آگهی میشود تا چنانچه نسبت باین درخواست اعتراض یا وصیت نامه از متوفی نزد کسی باشد ظرف سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا با گذشتن مدت مقرر عدم وصول اعتراض محسوب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز حصر وراثت نامعزوری رسمی که سداد این موعده ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلا اثر خواهد بود...

نوبت دوم ۳۵۴۱۶-۳۵ صلاح الدین قلفی ۶۴۴۱-۳-۲

بقیه از صفحه ۱

مردم ایجاد شده و ما خادمان جامه از این ساعت مسئولیت سنگین تری در مقابل ساکنین تهران بعهده داریم من برای شما همکاران عزیز توضیح بیشتری در این باره لازم نیست اما زیرمتناجوز از دو سال است که شما خود ناظر اقدامات و کوشش های شبانه روزی بنده و رفقای شما که افسران و کارمندان شهربانی میباشند هستید. شما برادران عزیز خدمت سنگینی را در پیش دارید انجام این برنامه اگر مشکلات بزرگی را تا امروز در مقابل داشت با شتکار و از خود گذشته گیی طرفر شد موافقت بدست آمد ولی از فراموشی مشکلات همیشگی راندر راه انجام وظیفه در پیش دارید و آن جلج رضایت مردم و حسن جریان کار شرکت است

برادران عزیز من به ایجاد شرکت واحد یکی از منویات شاهنشاه که تا مین وفاء حال شما کارگران میباشند نیز تأمین شده است

بامد عوین ... در این موقع که تقریباً یک ماهه بدوین دژیر جادر در جاهای مخصوص مستقر شده بودند آقای سر لشکر علوی مقدم یقه میکرفن قرار گرفت و خطاب بدوین چنین اظهار داشت:

«امروز که اولین خط شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بنام نامی اعلیحضرت هابون شاهنشاه افتتاح کار خود را شروع میکند از گذشته تا سفر آورو اتوبوس را می بیند تهران یادی نتوانیم کرد زیرا کم و بیش همگی از آن اطلاع داریم هینقدر باید عرض کنم بر اثر ارامر و کوششها و همتها و همتایان دولت متبوع ما قدم بقدم توفیق پیدا کردیم که بوضع آشفته و نا نامنظم اتوبوسرانی شهر تهران خاتمه داده و هر روز که سیر می شود قسمی بسوی کمال و پیشرفت برداریم.

رئیس شهربانی سید در مورد تاریخچه شرکت اظهاراتی نمود و اضافه کرد که از اهالی محترم با نیقت تقاضا میشود که از لحاظ حفظ ادب و نزاکت حفظ منظم قدم و بی خصوص اضافه سواد شدن مامورین انتظامی و شرکت همه نوع همکاری و مساعدت بنمایند و سبب اشافه سود تشکیل شرکت واحد اتوبوسرانی شایب نظر بسیار ساده و عادی تلقی شود اما از آنجا که وارد به اشکالات فنی و مالی و تقصیر و سبب هستند عظمت و سنگینی کار را بخوبی درک می کنند. رئیس شهربانی سید در مورد رؤسای شرکت های قبلی گفت: که این آقایان هم بی ثبوت بود علی بنهایت جوانمردی و صداقت در عملی کردن این برنامه شرکت نموده و از این جهت بیگانه مساعدت خود را در نظر فرمودند و من امیدوارم همان طوری که اراده مبارک شاهانه و منویات دولت است روزی رسد که دولت با توجه بقدرت اداره و حسن رفتار این آقایان همان طوری که از بادی امر در نظر داشت کلیه اختیارات و سهام شرکت را به آقایان تفویض نماید تا اصل سیردن کار مردم بدست مردم انجام و آقایان هم در راه خدمت بیجا مه تشویق گردند سید در مورد نحوه کار و عمل خط یک شرکت واحد که افتتاح شد اضا فرمود: طول این خط ده کیلومتر میباشد و حداکثر از ساعت ۵ صبح تا ساعت ۱۱

صف آرائی دو جبهه مخالف در آمل

بقیه از صفحه ۲

وتشریفات سبب شده که عده ای از طرفداران شهردار هنگامی که شهردار با تفاق رئیس انجمن شهر از تهران باز میگشت با استقبال او بشناخته و به چشمی طرفداران فرماندار مراسم و تشریفات خاصی بر پا کنند بطوری که خوانندگان اطلاع دارند فرماندار و شهردار آمل بر سر تصرف چند اطاق از اطاقهای عمارت فرمانداری اختلاف نظر پیدا کردند و کار این اختلاف منجر به اعلام جرم آنها علیه یکدیگر شد تا اینکه پس از احضار آنها بر کورنما اثراتی که بعمل آمد، شهردار آمل اعلام جرم خود را پس گرفت و اوقات فرماندار را که در اطاق های عمارت شهرداری لاک و مهر کرده بود پایشان مسترد داشت.

بطوری که خبر نگار ما در گزارش خود متذکر شده است هنوز دو دستگی و اختلاف در آمل بکلی از بین نرفته و دو جبهه مخالف در برابر یکدیگر صف آرائی می کنند و معلوم نیست این مبارزه بنفع کدام دسته خاتمه یابد

رای رسیدگی بچگونگی واقعه زندان ...

بقیه از صفحه ۱

فلا تحقیقات هیئت عالی زور از رئیس شهربانی و دادستان سازی و سایر مقامات مسئول درباره حادثه رد و خوردی که در زندان ساری روی داده و آفته میشود که تحریک دادستان بوده است ادامه دارد اخیراً در زندان ساری زد و خوردی روی داده که سن آن عده ای مجروح شدند و بنا بصوب کمیسیون امنیت ساری آذوقه ناسوتی دادستان شهرستان مسئول واقعه شناخته شده دستور بازداشت اوصادگر گردید.

ناگهان مردی باده لوله طپانچه مواجه شد

بقیه از صفحه ۱

دوست سابقاً در جمل رویه های باکستان سابقه و در دادگستری پرونده دارد. یکی از اعضای اداره کار آگاهی بخیبر نگار ما گفت که با اغلب احتمالات افراد این بانه بایک با نسیا عمل اسکانس در یکی از کشورهای خارجی رابطه دارند و اسکانس های تقلبی را بطور قاچاق وارد میکنند.

پارکینگ و ماجرای آن در تهران و تجربیش

بقیه از صفحه ۱

سر پوشیده ای مثل یک خیابان خلوت بطوریکه بتوان باسانی آرایش حرکت در آورد. ... یکی از افراد این بانه ... رسیده است ... ۵۰ دلار با او معامله نمودی چون پول لازم برای خرید ندارد معامله متوقف مانده است.

بلافاصله از طرف آگاهی مقدار پول لازم در اختیار او بجا گذاشته میشود و در روز بعد با او دانیجو خرید میدهد که قرار خرید و فروش برای عصر همان روز در گوشه ای از خیابان پهلوی گذاشته شده است.

در همان ساعت مامورین آگاهی با لباس عادی بدون اینکه جلب توجه کسی را بکنند در گوشه و کنار خیابان با انتظار ایستادند و دانشجویی با حالتی مضطرب کنار جوی قدم میزد و انتظار می کشید. ساعتی میگذشت و خبری از بانه قاچاقچیان نبود.

در بین بین شخص بسیار خوش پوش و موقری ازدور پیداشد و بطرف داشجو رفت. چنین نظر میسرید که از رفقای اوست و بر حسب اتفاق با او برخورد است. مامورین دچار تردید بودند که ناگهان متوجه شدند مرد خوش پوش ستهای اسکانس با داشجو در بدل کرد شکشان بقیین بدل گشت و یکبار ده لوله طپانچه در پشت مرد شیک پوش قرار گرفت.

بازجویی و اقرار این شخص سید احمد حسینی نام داشت و شغل ظاهرش دلال معاملات املاک بود در بازجویی متکرر همتاها متذکر دولی چون جیبهای او را کشته و مدهای اسکانس تقلبی ۲۰ دلاری که بدست آورده بودند با او نشان دادند سید احمد انکار را بی نتیجه دید و در همان حال که اشک در چشمان حلقه زده بود گفت:

«آقا، من می گفتم، مجبورم کرده اند که واسطه معاملات بشوم شخص دیگری که من سمش را نیندادم دلارها را بین میرساند و پس از فروش آنها حق العملی بین میدهند. در آغاز سید احمد متکرر شناسایی آن شخص شد ولی بالاخره اقرار کرد که جاعل اصلی نامش فریدون غاریابی دوست و صاحب کار او سید احمد تهران است.

رواه در تله افتاد اندک اندک تحقیقات مامورین پنتیجه میرسد و امید است تکمیلی عاملین اجلی در دلها زند میبندند. سید احمد در ضمن اعترافات خود گفته بود که هر روز فریدون غاریابی دوست را جلوی کافه شهرداری ملاقات میکنند و پول دلارهای فروخته شده را با او میدهند و او نیز اسکانسهای تقلبی دیگری در اختیارش می گذارد.

مأمورین بیدارند که بمیدانگاه می روند و از روی نشانیهای که سید احمد داده بود فریدون را دستگیر میسازند. یکی از مامورین در دین دستگیری او جیبهایش را میگرد و ۱۰۰ دلار تقلبی بدست میآورد.

فریدون در بازجویی اقرار کرد که او نیز بیگناه است و واسطه شخص دیگری است و آن شخص را بعنوان عامل اصلی معرفی کرد. تحقیقات ادامه دارد بقرار اطلاع این شخص اخیر نیز دستگیر شده و بازجویی از او ادامه دارد مامورین کار آگاهی تاکنون از اشنای نام این شخص خودداری کرده اند زیرا بیم دارند که به کشف و دستگیری بقیه افراد بانه لطمه وارد آید. اداره کار آگاهی امیدوار است که در ظرف هین یکی دو روز تمام افراد این بانه را دستگیر و لانه قصابان را ویران سازد. تنها اطلاعی که تاکنون بدست آمده اینست که سید احمد حسینی از درون سابقه دار است و فریدون غاریابی شمال دادگستری، ضمانت نظر است که

مردی که زنش را گم کرده بود سه سال تمام در شهر و کوه و بیابان بدنبال زنش سرگردان شد تا آنکه ...

دربوژ مردی که لباس مندرسی در بر و عصائی در دست داشت از در جنوبی کاخ دادگستری وارد شد و پیکر است بروم بر آغش شاید نبرده باشد و در گوشه ای منتظر کمک من است.

برسان پرسان بتهران آمد سه ماه درین شهر شلوغ مانم و همه جاسر کردم و خبری از او نیافتم دروژ از خیابان اسماعیل براژ رسیدم که ناگاه چشم بزی افتاد و بنظر آمد فاطمه است خیال کردم اشتباه میکنم ولی هینکه نزدیک تر رفتم فهمیدم که خود اوست انکار خندا دینار را بین داده بود دستش را گرفته و گفت:

«آخر فاطمه، اینجا چه میکنی! بی مروت سه سال است بدنبال تو میگردم تو در تهرانی و من خیر نداشتم! ولی فاطمه سرفش را بین کشید که «برو کتو، مرد که، من ترا از کجا میشناسم. اصل تو کی هستی! بن چکار داری!»

خلاصه، چه در دستان بدهم، میان مایک بدو و یکم کوشد و عده ای دورمان حلقه زدند و ما را بیکلتری بردند. فاطمه در آنجا اقرار کرد که زن من بوده ولی ادعا کرد که سه سال است از من طلاق گرفته و بتهران آمده عبدالحسین که اشک در چشم حلقه زده بود دامن یاز پرس را گرفت و گفت:

«آقای باز پرس، دست من و دامن شما و روز قیامت. زن را بین بر کرداید. بندانم او را طلاق نداده ام. من تحمل دوری او را ندادم. خودش به تهران آمده و زن از منی بام آرزو شده است. فاطمه زن تفسیبی بود، میدانم تفسیبی ندارد، گوش زده اند. باز پرس پرونده ای تشکیل داد و برای روشن شدن معامه برک احضارهای برای فاطمه و شوهر فعلی اش آریس ... که در یکی از خیابانهای شمالی تهران خانه دارند فرستاد.

بدنبال دامغان کشف گوهر شب چراغ

رابطه بین شیر کوه و یزد بگلی قطع شده است تنها یک خر کچی اجازه دارد مشکهای آب را تا پانصد معدن مهمی کشف شده یا عملیات نظامی جریان دارد؟

هر روز چندین هواپما خوراک و وسائل لازم به آنجا میبرند و یک غرخر کچی را بر آرزو ۸۰۰ ریال اجیر کرده اند که هر روز چند مشک آب بالاغ به شیر کوه برساند. عجیب تر آنکه حتی این شخص اجازه ندارد از پانصد متری نزدیک تر برود و بر حسب دستور باید مشکهای آب را در پانصد متری روی زمین بگذارد و هر چه زودتر دور شود.

در تعقیب خبری که در چند شماره قبل تحت عنوان «کشف گوهر شب چراغ در شیر کوه» درج کردیم، خبر نگار ما اطلاعات تازه ای بدست آورده است که اینک بنظر خوانندگان میرسانیم. قریب ۵۰ مایل عقبه نسبتاً کثیری از مهندسین و کارشناسان خارجی با محمولات و بارهایی که ۳۰۰ ساقط قاطر حمل میکرد به شیر کوه آمدند و پس از اینکه اطراف کوه را در سیم خاردار کشیدند و مامورین محافظ پاسدار گذاشتند شروع بخاک برداری و حفاریات و ساختمان کردند. از سالها پیش پس از کشف چندین نوع معدن درین کوه شرکتی بنام «پرچام» در آنجا متفول حفاریات بوده است. ولی پس از ورود این عده از متخصصین خارجی هیچکس را اجازه نزدیکی بچول و حوش شیر کوه ندهند هنوز معلوم نیست که آیا واقعا معدن زادبوم و اژدرنوم بدست آمده یا این عملیات بنظرد دیگری انجام میگردد. آنچه مسلم است اینکه

پایان مذاکرات ادانار و سران ایتالیا

دم- اوسوینت پرس- اعلامیه ای که پس از پایان مذاکرات ادانار و سکنی نخست وزیر ایتالیا تشار بافته حاکی است که دولت های غربی نیببایست لحظه ای از فعالیت برای اتحاد آلمان خودداری کنند.

بدینوسیله در گذشت مرحوم اسدالله شیبانی را با اطلاع عموم فامیل و دوستان و آشنایان میرساند مجلس ترجم مردانه روز شنبه از ساعت ۱۱ الی ۱۲ ظهر در مسجد خانم فخرالدوله در خیابان بهارستان اول خیابان فخر آباد و مجلس ختم زناه در منزل شخصی واقع در خیابان هلائی کوچه علا منزل قصری از ساعت ۱۱ الی ۱۲ ظهر همان روز برگزار است. فرهنگ قصری - رضا قصری - منصور قصری - ناصر قصری - همت الله شیروالی - کوچک صدیقی ۱۳۲۶۶۰

بازماندگان آنرحوم مصیبت وارده را تسلیت میدهیم

بایجاد «بارکینک» قسمتی از مشکل راهنمایی حل میشود. این نوع اشخاص بزم و لکره محبوب شده و سوغات و جواهر آبدان یا باداره لنگ بدوش که از هر اتومبیل بعضی